

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

علوم سیاسی، روابط بین الملل و
مطالعات منطقه ای

۱۴۰۵

گردآورندگان
گروه مولفین پردازش

فهرست مطالب

جدول فراوانی

مقدمه تحلیلی

پیش گفتار ۷

آزمون دکترای علوم سیاسی، روابط بین الملل و مطالعات منطقه‌ای ۱۴۰۵

سیاست‌شناسی - اصول روابط بین‌الملل - سیاست خارجی جمهوری اسلامی ۱۱

پاسخ‌نامه سیاست‌شناسی - اصول روابط بین‌الملل - سیاست خارجی جمهوری اسلامی ۱۵

اندیشه‌های سیاسی غرب، اسلام و ایران - جامعه‌شناسی سیاسی - نظریه‌های روابط بین‌الملل - روش‌شناسی ۴۴

پاسخ‌نامه اندیشه‌های سیاسی غرب، اسلام و ایران - جامعه‌شناسی سیاسی - نظریه‌های روابط بین‌الملل - روش‌شناسی ۴۹

نظریه‌ها و روش پژوهش در مطالعات منطقه‌ای - مسائل منطقه ۹۵

پاسخ‌نامه نظریه‌ها و روش پژوهش در مطالعات منطقه‌ای - مسائل منطقه ۱۰۳

واژه نامه ۱۷۷

منابع ۱۹۱

نقشه راه مطالعه

آزمون ورودی دوره دکترای تخصصی مجموعه علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای (کد ۲۱۶۰) در شش دوره اخیر (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵) دستخوش تحولات ساختاری و محتوایی مهمی شده است. بررسی دقیق ۵۸۰ سؤال مطرح‌شده در این بازه زمانی نشان می‌دهد که موفقیت در این آزمون، بیش از آنکه نیازمند مطالعات پراکنده و حجیم باشد، مستلزم درک منطق طراحان سؤال، شناخت سرفصل‌های پرتکرار و تسلط بر «نقاط تلاقی» مباحث نظری و روش‌شناختی است.

در جدول جامع زیر، کالبدشکافی دقیقی از توزیع فراوانی سؤالات به تفکیک ۳ حوزه اصلی دفترچه آزمون، ۱۱ درس مصوب و ۴۲ زیرمبحث کلیدی ارائه شده است تا داوطلبان گرامی بتوانند با یک «نقشه راه آماری و هدفمند»، زمان و انرژی خود را بر مباحث کلیدی متمرکز سازند.

جدول ۱: جدول جامع توزیع فراوانی موضوعی سؤالات دکترای علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

حوزه اصلی / درس و مباحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
بخش اول: سیاست‌شناسی، اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی ج.ا.ا	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۱۸۰	۰۳٪/۳۱
۱. سیاست‌شناسی (مبانی، جامعه‌شناسی، اندیشه و تطبیقی)	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۱۲۰	۶۹٪/۲۰
۱.۱. مفاهیم پایه، دولت، قدرت، بوروکراسی و ایدئولوژی‌های سیاسی	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۲۸	۸۳٪/۴
۱.۲. جامعه‌شناسی سیاسی پایه (نخبگان، طبقات، جنبش‌ها و کارکردگرایی)	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۲۹	۰۰٪/۵
۱.۳. مبانی اندیشه سیاسی (غرب و مبانی فقه و حکومت در اسلام)	۶	۶	۵	۸	۵	۵	۳۵	۰۳٪/۶
۱.۴. سیاست‌های تطبیقی، فرهنگ سیاسی، احزاب و گونه‌شناسی رژیم‌ها	۴	۵	۶	۳	۵	۵	۲۸	۸۳٪/۴
۲. اصول روابط بین‌الملل	۵	۵	۶	۵	۵	۵	۳۱	۳۴٪/۵
۲.۱. مفاهیم کلیدی (قدرت، هژمونی، امنیت، صلح و منافع ملی)	۲	۲	۱	۳	۲	۲	۱۲	۰۷٪/۲
۲.۲. سطوح تحلیل، مدل‌های تصمیم‌گیری و متغیرهای سیاست	۱	۱	۳	۰	۲	۲	۹	۵۵٪/۱

حوزه اصلی / درس و مباحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
خارجی								
۲.۳. ساختار نظام بین‌الملل، قطب‌بندی، موازنه، اتحادها و ائتلاف‌ها	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱۰	۷۲٪/۱
۳. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۲۹	۰۰٪/۵
۳.۱. مبانی نظری، هویتی، اصول قانون اساسی و اهداف کلان و فراملی	۲	۱	۰	۲	۲	۲	۹	۵۵٪/۱
۳.۲. گفتمان‌ها و ادوار سیاست خارجی (موقت، سازندگی، اصلاحات و...)	۱	۲	۳	۲	۳	۲	۱۳	۲۴٪/۲
۳.۳. دیپلماسی عملی، تاریخ روابط خارجی و بحران‌های منطقه‌ای و جهانی	۲	۲	۱	۱	۰	۱	۷	۲۱٪/۱
بخش دوم: اندیشه‌ها، جامعه‌شناسی سیاسی، نظریه‌های ر.ب و روش‌شناسی	۶۰	۶۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۳۲۰	۱۷٪/۵۵
۴. اندیشه‌های سیاسی (غرب، اسلام و ایران)	۱۵	۱۵	۱۳	۱۰	۱۰	۱۰	۷۳	۵۹٪/۱۲
۴.۱. اندیشه سیاسی غرب (کلاسیک، مدرن، قرن بیستم و معاصر)	۷	۸	۴	۵	۴	۵	۳۳	۶۹٪/۵
۴.۲. فقه و اندیشه سیاسی در اسلام (کلاسیک و معاصر: شیعه و سنی)	۸	۷	۵	۴	۳	۴	۳۱	۳۴٪/۵
۴.۳. تحول اندیشه سیاسی در ایران (ایران باستان، دوره میانه، قاجار، مشروطه و معاصر)	۰	۰	۴	۱	۳	۱	۹	۵۵٪/۱
۵. جامعه‌شناسی سیاسی (غرب و ایران)	۱۰	۱۰	۷	۱۰	۱۰	۱۰	۵۷	۸۳٪/۹

حوزه اصلی / درس و مباحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
۵.۱. جامعه‌شناسی سیاسی غرب (نظریه‌های دولت، قدرت، هژمونی، جنبش‌ها و جهانی شدن)	۶	۵	۵	۵	۵	۵	۳۱	۳۴٪/۱۵
۵.۲. جامعه‌شناسی سیاسی ایران (ساخت دولت در قاجار و پهلوی، طبقات و انقلاب اسلامی)	۴	۵	۲	۵	۵	۵	۲۶	۴۸٪/۴
۶. نظریه‌های روابط بین‌الملل (کلاسیک، جدید و اقتصاد سیاسی)	۲۵	۲۹	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۱۴	۶۶٪/۱۹
۶.۱. مناظرات کلان، مبانی فرانظری (هستی‌شناسی/معرفت‌شناسی) و واقع‌گرایی‌ها	۶	۷	۳	۵	۴	۳	۲۸	۸۳٪/۴
۶.۲. لیبرالیسم، نولیبرالیسم نهادگرا، رژیم‌ها، وابستگی متقابل و مکتب انگلیسی	۳	۷	۵	۳	۳	۳	۲۴	۱۳٪/۴
۶.۳. نظریه‌های انتقادی، پسامدرنیسم، سازه‌انگاری، فمینیسم و سیاست سبز	۷	۸	۴	۳	۳	۵	۳۱	۳۴٪/۱۵
۶.۴. اقتصاد سیاسی بین‌الملل (مکاتب، ثبات هژمونیک، تجارت و جهانی شدن)	۹	۷	۳	۴	۵	۴	۳۱	۳۴٪/۱۵
۷. روش‌شناسی (سیاسی، بین‌الملل و منطقه‌ای)	۱۰	۶	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۷۶	۱۰٪/۱۳
۷.۱. فلسفه علم و مکاتب روش‌شناسی (اثبات‌گرایی، ابطال‌گرایی، انتقادی، هرمنوتیک و...)	۳	۲	۷	۷	۲	۷	۲۸	۸۳٪/۴
۷.۲. رویکردهای نظری-روشی (نهادگرایی جدید، نظریه بازی‌ها، تحلیل گفتمان و...)	۳	۴	۲	۲	۴	۳	۱۸	۱۰٪/۳

حوزه اصلی / درس و مباحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
۷.۳. فرآیند، طرح پژوهش و تکنیک‌های گردآوری و تحلیل داده (کمی، کیفی و اسنادی)	۲	۰	۶	۶	۹	۵	۲۸	۸۳٪/۴
۷.۴. روش‌شناسی تخصصی در مطالعات منطقه‌ای (در دفترچه‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱)	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۳۴٪/۰
بخش سوم: مطالعات منطقه‌ای (اختصاصی آزمون ۱۴۰۵)	۰	۰	۰	۰	۰	۸۰	۸۰	۷۹٪/۱۳
۸. نظریه‌ها و مفاهیم در مطالعات منطقه‌ای	—	—	—	—	—	۲۵	۲۵	۳۱٪/۴
۸.۱. مفاهیم پایه (منطقه‌بودگی، منطقه‌گرایی قدیم و جدید، کلان/خرده منطقه‌گرایی)	—	—	—	—	—	۱۰	۱۰	۷۲٪/۱
۸.۲. نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای (فدرالیسم، کارکردگرایی، نوکارکردگرایی و ارتباطات)	—	—	—	—	—	۸	۸	۳۸٪/۱
۸.۳. نظریه‌های امنیت منطقه‌ای (مجموعه امنیتی منطقه‌ای، جوامع امن و سازهانگاری)	—	—	—	—	—	۷	۷	۲۱٪/۱
۹. روش پژوهش در مطالعات منطقه‌ای	—	—	—	—	—	۱۵	۱۵	۵۹٪/۲
۹.۱. روش‌های کمی، کیفی، مطالعات موردی تطبیقی و تکنیک‌های میدانی	—	—	—	—	—	۱۵	۱۵	۵۹٪/۲
۱۰. مسائل مناطق جهان	—	—	—	—	—	۴۰	۴۰	۹۰٪/۶
۱۰.۱. مطالعات اروپا (تاریخ، نهادها و معاهدات اتحادیه اروپا، امنیت و ناتو)	—	—	—	—	—	۱۰	۱۰	۷۲٪/۱
۱۰.۲. مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس (دولت رانتیر، بهار عربی،	—	—	—	—	—	۷	۷	۲۱٪/۱

حوزه اصلی / درس و مباحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
ناسیونالیسم و امنیت)								
۱۰.۳. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (گذار سیاسی، ژئوپلیتیک خزر، انرژی و سازمان‌ها)	—	—	—	—	—	۱۰	۱۰	۷۲٪/۱
۱۰.۴. مطالعات آمریکا (استراتژی‌های کلان امنیتی ایالات متحده و مسائل آمریکای لاتین)	—	—	—	—	—	۶	۶	۰۳٪/۱
۱۰.۵. مطالعات شرق و جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن، استعمار، امنیت و کنسرت قدرت‌ها)	—	—	—	—	—	۷	۷	۲۱٪/۱
مجموع سؤالات بررسی شده در هر سال	۹۰	۹۰	۸۰	۸۰	۸۰	۱۶۰	۵۸۰	۱۰۰٪

- تبصره تحلیلی (موارد هم‌پوشانی): مطابق با استانداردهای طبقه‌بندی، در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ که کل دفترچه دارای ۹۰ سؤال یکپارچه بود، ۲ سؤال مرتبط با منطقه‌گرایی (نظیر «مثلث‌های رشد» و «منطقه‌گرایی توسعه‌مدار» در آزمون ۱۴۰۱، سؤالات ۶۷ و ۷۹) در ذیل درس نظریه‌های روابط بین‌الملل و ۲ سؤال روش‌شناسی منطقه‌ای در سال ۱۴۰۰ (سؤالات ۸۹ و ۹۰) در ذیل درس روش‌شناسی شمارش شده‌اند. همچنین در سال ۱۴۰۵، به دلیل افزوده شدن ۱۵ سؤال مستقل روش تحقیق در بخش مطالعات منطقه‌ای (سؤالات ۱۰۶ تا ۱۲۰)، مجموع سؤالات ماهیتاً روش‌شناختی در آزمون ۱۴۰۵ به ۳۰ سؤال رسیده است.

گزارش تحلیلی و توصیه‌های راهبردی (راهنمای مطالعه هوشمندانه)

۱. تحلیل روندها و تغییرات ساختاری آزمون (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

- بررسی ۶ دوره اخیر آزمون دکتری کد ۲۱۶۰ نشان‌دهنده سه دگردیسی و تغییر پارادایم بسیار مهم در طراحی سؤالات است:
- تثبیت قالب ۳۰ + ۵۰ در دروس پایه و تخصصی مشترک:** در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ آزمون دارای ۹۰ سؤال بدون تفکیک ظاهری در دفترچه بود. از سال ۱۴۰۲ تعداد سؤالات به ۸۰ کاهش یافت و از سال ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵، ساختار دفترچه به طور استاندارد به دو بخش ۳۰ سؤال اول (۲۰ سؤال سیاست‌شناسی + ۵ سؤال اصول ر.ب + ۵ سؤال سیاست خارجی ج.ا.ا) و ۵۰ سؤال دوم (۱۰ سؤال اندیشه + ۱۰ سؤال جامعه‌شناسی سیاسی + ۱۵ سؤال نظریه‌های ر.ب + ۱۵ سؤال روش‌شناسی) تثبیت شده است.
- انقلاب ساختاری در آزمون ۱۴۰۵ (افزوده شدن ۸۰ سؤال مطالعات منطقه‌ای):** مهم‌ترین تغییر در سال ۱۴۰۵ رخ داد؛ جایی که علاوه بر ۸۰ سؤال معمول، یک بسته مستقل ۸۰ سؤالی ویژه درس «نظریه‌ها و روش پژوهش در مطالعات منطقه‌ای و مسائل مناطق» (سؤالات ۸۱ تا ۱۶۰) به دفترچه اضافه شد و حجم آزمون را به ۱۶۰ سؤال در همان زمان ۱۰۵ دقیقه رساند.
- جهش چشمگیر سهم «روش‌شناسی»:** در حالی که در سال ۱۴۰۱ تنها ۶ سؤال به طور مستقیم از روش‌شناسی طرح شده بود، از سال ۱۴۰۲ به بعد سهم این درس در بخش عمومی-تخصصی به ۱۵ سؤال ثابت رسید. در سال ۱۴۰۵ نیز با احتساب ۱۵ سؤال روش پژوهش در بخش منطقه‌ای، عملاً ۳۰ سؤال از ۱۶۰ سؤال آزمون به مباحث روش‌شناختی اختصاص یافت که نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده این درس برای طراحان است.

۲. معرفی مباحث کلیدی و کانون‌های پرتکرار طراحان

بررسی ریزمباحث نشان می‌دهد که طراحان سؤال بر روی منابع و کلیدواژه‌های بسیار مشخصی تمرکز دارند که به صورت مویرگی در تمام سال‌ها تکرار می‌شوند:

- **در حوزه سیاست‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی:** آرای **ماکس وبر** (انواع سلطه، کاریزما و بوروکراسی - تکرار در تمامی سال‌ها)، **میشل فوکو** (مدل قضایی-گفتمانی قدرت، زیست‌قدرت و معنویت سیاسی)، **آنتونی گیدنز** (سیاست زندگی، راه سوم و نقد مارشال)، **خوان لینز و هانا آرنت** (گونه‌شناسی رژیم‌های توتالیتار، اقتدارگرا و سلطانیسم)، **آرند لیپهارت و گابریل آلموند** (دموکراسی اجماعی/اکثریتی و سطوح فرهنگ سیاسی) و در بخش ایران، نظریات **یرواند آبراهامیان**، **جان فوران و همایون کاتوزیان** (دولت و جامعه خودکامه، توسعه نامتوازن، مقاومت شکننده و طبقات در عصر قاجار و پهلوی) کانون‌های قطعی طرح سؤال هستند.
- **در حوزه اندیشه‌های سیاسی (غرب و اسلام):** تمرکز ویژه بر روی اندیشمندان قرن بیستم و معاصر نظیر **کارل اشمیت** (مفهوم امر سیاسی و نسبت دوست-دشمن؛ تکرار در ۱۴۰۲، ۱۴۰۳ و ۱۴۰۵)، **کارل پوپر**، **جان رالز**، **یورگن هابرماس**، **مایکل اوکشات** (محافظه‌کاری) و **مناظره لیبرال‌ها و اجتماع‌گرایان** است. در بخش اسلام نیز سه مبحث «**فقه المقاصد**» (تکرار عینی سؤال ربط نصوص جزئی و مقاصد کلی در سال‌های ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳ و ۱۴۰۵)، «**مختصات فقه حکومتی و آرای امام خمینی (ره)**» (خطابات قانونی، ولایت مطلقه و عدم ملازمه اعلیت و رهبری) و «**اندیشه مشروطه‌خواهی آیت‌الله نائینی**» (حکومت ولایتی و تملیکیه) بیشترین فراوانی را دارند.
- **در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی:** مناظره **نئو-نئو** (والتر، مرشایمر و کیوهین)، **مکتب انگلیسی** (هدلی بول، جامعه آنارشیک، طغیان علیه غرب و استاندارد تمدن)، **نظریه انتقادی** (رابرت کاکس در تفکیک نظریه‌های حل‌المسائلی و انتقادی، و اندرو لینکلتر در اخلاق گفتمان)، **سازهانگاری** (الکساندر ونت و منطق تناسب) و مباحث **اقتصاد سیاسی بین‌الملل** (دیدگاه‌های گیلپین، استرنج، مرکانتیلیسم شرکتی و جهانی‌شدن) ستون‌های اصلی هستند. در سیاست خارجی ایران نیز چارچوب‌های گفتمانی (آرمان‌گرایی، مصلحت‌گرایی، واقع‌گرایی اسلامی و عدم تعهد) تقریباً در هر سال ۳ تا ۴ سؤال را به خود اختصاص می‌دهند.
- **در حوزه روش‌شناسی:** طراحان ترکیبی هوشمندانه از **فلسفه علم** (کوهن، پوپر، لاکاتوش، روی باسکار و هرمنوتیک گادامر/شلایرماخر/ریکور) و **تکنیک‌های عملی تحقیق** (انواع مقیاس‌های اسمی، ترتیبی و بازه‌ای، انواع مصاحبه، نمونه‌گیری گلوله‌برفی و خوشه‌ای، مثلث‌بندی و اشباع نظری) را مد نظر قرار می‌دهند.

۳. توصیه‌های راهبردی برای برنامه‌ریزی داوطلبان

۱. **سرمایه‌گذاری ویژه بر درس «روش‌شناسی» به عنوان برگ برنده:** برخلاف دروس حجیمی چون تاریخ اندیشه یا مسائل مناطق، منابع درس روش‌شناسی محدودتر و چارچوب‌دارتر است. با توجه به سهم حدوداً ۱۹ درصدی این درس در ساختار جدید آزمون (۳۰ سؤال از ۱۶۰ سؤال در سال ۱۴۰۵)، تسلط بر این درس بالاترین بازده زمانی را برای داوطلب به همراه دارد.
۲. **مطالعه تطبیقی و کلیدواژه‌محور:** همان‌طور که در پاسخنامه‌های تشریحی این کتاب نشان داده شده است، بیش از ۷۰ درصد سؤالات دکتری از طریق شناخت «امضای نظریه‌پردازان» و جفت‌سازی کلیدواژه‌ها (مثلاً: **گورستان/شرفیت** ← **پاره‌تو؛ معنویت سیاسی** ← **فوکو؛ جامعه منشوری** ← **ریگز؛ پیش‌نظریه سیاست خارجی** ← **روزنا**) در کمتر از ۳۰ ثانیه قابل حل هستند.
۳. **توجه به تکرار مستقیم و مفهومی سؤالات سنوات گذشته:** بررسی جدول فوق و تطبیق سؤالات نشان می‌دهد که سالانه بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از سؤالات، تکرار مستقیم یا بازطراحی بسیار نزدیک سؤالات سال‌های قبل هستند (مانند تکرار سؤال **فقه المقاصد**، **راه سوم گیدنز**، **مدل قضایی فوکو**، **مثلث‌های رشد و مثلث‌بندی روشی**). بنابراین، تسلط بر کالبدشکافی گزینه‌ها در این کتاب، نمره پایه داوطلب را پیش از ورود به جلسه آزمون تضمین می‌کند.

مقدمه تحلیلی بر روند آزمون‌های دکترای علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای (۱۴۰۰-۱۴۰۵)

نقشه راه استراتژیک داوطلبان بر اساس کالبدشکافی ۵۸۰ سؤال ۶ دوره اخیر

آزمون ورودی دوره دکترای تخصصی (Ph.D) در مجموعه علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای (کد ۲۱۶۰) در شش سال اخیر (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)، صرفاً یک آزمون سنجش محفوظات نبوده، بلکه آینه‌ای تمام‌نما از چرخش‌های پارادایمی، روش‌شناختی و مفهومی در دانش سیاست در ایران است. تحلیل دقیق ۵۸۰ سؤال مطرح‌شده در این بازه شش‌ساله نشان می‌دهد که طراحان سازمان سنجش از الگوهای پراکنده و سلیقه‌ای فاصله گرفته و به سمت یک «ساختار استاندارد، متوازن و مسئله‌محور» حرکت کرده‌اند.

هدف از تدوین این مقدمه تحلیلی، تجهیز داوطلبان گرامی به یک «دید استراتژیک و مهندسی‌شده» پیش از آغاز مطالعه است تا بتوانند به تناسب گرایش هدف خود (علوم سیاسی، روابط بین‌الملل یا مطالعات منطقه‌ای)، وزن هر درس، مباحث همواره پرتکرار، چرخش‌های موضوعی طراحان و متفکران کلیدی را به دقت شناسایی کنند.

اول: تحلیل بودجه‌بندی و سیر تحول ساختاری به تفکیک سه رشته (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

در طول این ۶ سال، معماری دفترچه آزمون سه مرحله تکاملی مهم را پشت سر گذاشته است: در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ دفترچه شامل ۹۰ سؤال یکپارچه با زمان ۱۲۰ دقیقه بود؛ در سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ تعداد سؤالات به ۸۰ سؤال و زمان به ۱۰۵ دقیقه تغییر یافت و از سال ۱۴۰۳ رسماً به دو ردیف امتحانی (۳۰ سؤال پایه + ۵۰ سؤال تخصصی) تفکیک شد. سرانجام در آزمون ۱۴۰۵، با افزوده شدن یک بخش مستقل ۸۰ سؤالی ویژه گرایش «مطالعات منطقه‌ای»، حجم دفترچه به ۱۶۰ سؤال افزایش یافت.

کالبدشکافی بودجه‌بندی سؤالات به تفکیک هر یک از این سه رشته، واقعیت‌های مهمی را آشکار می‌سازد:

۱. بودجه‌بندی اختصاصی حوزه «علوم سیاسی» (در مجموع ۲۵۰ سؤال از ۵۸۰ سؤال ۶ دوره)

سهام دروس ماهیتاً مرتبط با رشته علوم سیاسی در ساختار کنونی آزمون، دقیقاً ۴۰ سؤال از ۸۰ سؤال بخش مشترک (معادل ۵۰ درصد کل سؤالات بخش اول و دوم) است که با ثباتی خیره‌کننده در سال‌های اخیر رعایت شده است:

- سیاست‌شناسی (۲۰ سؤال ثابت در ردیف اول دفترچه): این درس به تنهایی ۲۵ درصد از کل سؤالات ۸۰ تایی را تشکیل می‌دهد و به چهار زیربخش کاملاً مساوی تقسیم می‌شود:

۱. مبانی علم سیاست و ایدئولوژی‌ها: ۵ سؤال (سؤالات ۱ تا ۵).

۲. جامعه‌شناسی سیاسی پایه: ۵ سؤال (سؤالات ۶ تا ۱۰).

۳. مبانی اندیشه سیاسی (غرب و اسلام): ۵ سؤال (سؤالات ۱۱ تا ۱۵).

۴. سیاست‌های تطبیقی: ۵ سؤال (سؤالات ۱۶ تا ۲۰).

- اندیشه‌های سیاسی غرب، اسلام و ایران (۱۰ سؤال در ردیف دوم دفترچه): در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ سهم این درس ۱۵ سؤال بود، در سال ۱۴۰۲ به ۱۳ سؤال رسید و از سال ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵ روی ۱۰ سؤال ثابت (سؤالات ۳۱ تا ۴۰) تثبیت شده است که معمولاً ۵ سؤال به اندیشه غرب و ۵ سؤال به اندیشه اسلامی و ایرانی اختصاص می‌یابد.

- جامعه‌شناسی سیاسی غرب و ایران (۱۰ سؤال در ردیف دوم دفترچه): به استثنای سال ۱۴۰۲ (۷ سؤال)، در تمامی سال‌ها ۱۰ سؤال ثابت (سؤالات ۴۱ تا ۵۰) به این درس اختصاص یافته است که به طور متقارن شامل ۵ سؤال جامعه‌شناسی سیاسی غرب و ۵ سؤال جامعه‌شناسی سیاسی ایران است.

۲. بودجه‌بندی اختصاصی حوزه «روابط بین‌الملل» (در مجموع ۱۷۴ سؤال از ۵۸۰ سؤال ۶ دوره) سهم دروس تخصصی رشته روابط بین‌الملل در ساختار تثبیت‌شده آزمون، ۲۵ سؤال از ۸۰ سؤال بخش مشترک (معادل ۲۵/۳۱ درصد) است که در دو ردیف دفترچه توزیع شده است:

- اصول روابط بین‌الملل (۵ سؤال در ردیف اول دفترچه): در تمام ادوار (به جز ۱۴۰۲ که ۶ سؤال بود)، دقیقاً ۵ سؤال (سؤالات ۲۱ تا ۲۵) را به خود اختصاص داده و بر مفاهیم پایه قدرت، امنیت، اتحادها و تصمیم‌گیری متمرکز است.

- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۵ سؤال در ردیف اول دفترچه): به استثنای سال ۱۴۰۲ (۴ سؤال)، همواره ۵ سؤال ثابت (سؤالات ۲۶ تا ۳۰) دارد که ۳ تا ۴ سؤال آن به تحلیل گفتمان‌ها و ادوار سیاست خارجی و ۱ تا ۲ سؤال به مبانی قانون اساسی و تاریخ دیپلماسی و بحران‌ها می‌پردازد.

- نظریه‌های روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل (۱۵ سؤال در ردیف دوم دفترچه): در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ این درس با ۲۵ تا ۲۹ سؤال، سنگین‌ترین بخش آزمون بود؛ اما از سال ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۵ دقیقاً روی ۱۵ سؤال ثابت (سؤالات ۵۱ تا ۶۵) تنظیم شده است (شامل حدود ۱۰ تا ۱۱ سؤال نظریه‌های کلاسیک و جدید، و ۴ تا ۵ سؤال اقتصاد سیاسی بین‌الملل و جهانی‌شدن).

۳. بودجه‌بندی اختصاصی حوزه «مطالعات منطقه‌ای» و «روش‌شناسی» (در مجموع ۱۵۶ سؤال از ۵۸۰ سؤال ۶ دوره)

- درس مشترک روش‌شناسی (۱۵ سؤال در ردیف دوم دفترچه): این درس پل ارتباطی هر سه گرایش است. از ۶ تا ۱۰ سؤال در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، به ۱۵ سؤال ثابت (سؤالات ۶۶ تا ۸۰) در چهار سال اخیر (۱۴۰۲ تا ۱۴۰۵) جهش یافته است.

- بسته اختصاصی مطالعات منطقه‌ای (۸۰ سؤال مستقل در ردیف سوم دفترچه ۱۴۰۵): تا پیش از سال ۱۴۰۵، سهم مطالعات منطقه‌ای تنها ۱ تا ۲ سؤال پراکنده در دل نظریه‌های روابط بین‌الملل و روش‌شناسی بود (نظیر سؤالات ۸۹ و ۹۰ سال ۱۴۰۰ یا ۶۷ و ۷۹ سال ۱۴۰۱). اما در آزمون ۱۴۰۵، ۸۰ سؤال اختصاصی (سؤالات ۸۱ تا ۱۶۰) با بودجه‌بندی بسیار دقیق زیر طراحی شد:

۱. نظریه‌ها و مفاهیم منطقه‌گرایی: ۲۵ سؤال (سؤالات ۸۱ تا ۱۰۵).

۲. روش پژوهش در مطالعات منطقه‌ای: ۱۵ سؤال (سؤالات ۱۰۶ تا ۱۲۰).

۳. مسائل مناطق جهان: ۴۰ سؤال (سؤالات ۱۲۱ تا ۱۶۰؛ شامل اروپا: ۱۰ سؤال، آسیای مرکزی و قفقاز: ۱۰ سؤال، خاورمیانه و خلیج فارس: ۷ سؤال، شرق و جنوب شرقی آسیا: ۷ سؤال، و آمریکا و آمریکای لاتین: ۶ سؤال).

دوم: کالبدشکافی مباحث همواره پرتکرار (ثابت‌های تغییرناپذیر آزمون) بررسی تطبیقی سؤالات ۶ سال اخیر نشان می‌دهد که طراحان سؤال بر روی حدود ۲۰ محور موضوعی به صورت مستمر و هرساله تمرکز دارند. مطالعه این مباحث برای هر داوطلبی در حکم تضمین نمره پایه است:

۱. در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی:

- گونه‌شناسی رژیم‌های غیردموکراتیک: تمایز دقیق میان توتالیترایسم، اقتدارگرایی (و انواع آن نظیر بوروکراتیک، فراگیر و سلطانیسم) و پاتریمونیالیسم (تکرار در تمامی ۶ دوره).
- جامعه‌شناسی سیاسی دولت و انقلاب در ایران: ماهیت دولت در عصر قاجار و پهلوی (استبداد شرقی، پاتریمونیالیسم، جامعه کلنگی/کوتاه‌مدت، توسعه نامتوازن) و علل وقوع انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی.
- نظریه‌های قدرت و دولت مدرن: تحلیل‌های قدرت و مدل قضایی-گفتمانی فوکو، هژمونی و جامعه مدنی گرامشی، کارکردهای بوروکراسی و بحران‌های نوسازی.
- مکاتب و ایدئولوژی‌های معاصر: مناظره لیبرالیسم و اجتماع‌گرایی (جماعت‌گرایی)، نولیبرالیسم و راست‌نو، محافظه‌کاری، بوم‌گرایی (سیاست سبز در برابر محیط‌زیست‌گرایی) و جنبش‌های اجتماعی جدید (در تقابل با جنبش‌های کلاسیک).

۲. در اندیشه‌های سیاسی (غرب و اسلام):

- فقه سیاسی معاصر (شیعه و سنی): رویکرد «فقه المقاصد» (که سؤال ربط نصوص جزئیه با مقاصد کلی آن عیناً در ۴ دوره ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳ و ۱۴۰۵ تکرار شده است!)، مختصات روشی «فقه حکومتی» (اصالة الاباحه، قواعد فقهی، زمان و مکان)، «فقه‌النظریه» و نظریه «خطابات قانونی» و «ولایت فقیه» در اندیشه امام خمینی (ره).
- سنت قرارداد اجتماعی و منتقدان آن: مقایسه دیدگاه‌های هابز، لاک، روسو و کانت درباره وضع طبیعی، مالکیت و آزادی، و نقد دیوید هیوم و بنتهام بر قرارداد اجتماعی.
- فلسفه سیاسی قرن بیستم: مفهوم «امر سیاسی» (دوست/دشمن) در اندیشه کارل اشمیت، نقد پوپر بر تاریخ‌گرایی و توتالیترایسم، و نظریه عدالت جان رالز.

۳. در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی:

- مناظرات کلان و مبانی فرانظری: ویژگی‌های مناظره اول تا چهارم (به‌ویژه مناظره خردگرایی و بازاندیش‌گرایی) و تفکیک مباحث هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی.
- مکتب انگلیسی و سازه‌انگاری: مفهوم جامعه بین‌المللی، قرون وسطی‌گرایی جدید، طغیان علیه غرب و استاندارد تمدن در مکتب انگلیسی؛ و منطق تناسب (در برابر منطق پیامد)، فرهنگ‌های آنا‌رشی و رابطه هویت-نقش-منافع در سازه‌انگاری.
- سیاست خارجی ج.ا.ا: تطبیق گفتمان‌های سیاست خارجی ایران (واقع‌گرایی اسلامی، مصلحت‌گرایی، آرمان‌گرایی، صلح‌گرایی/اصلاحات و اصول‌گرایی) با مفاهیمی چون عدم تعهد، تنش‌زدایی و ائتلاف‌ها.

سوم: چرخش‌های موضوعی و تغییر تمرکز طراحان سؤال در ۶ سال اخیر

بررسی روند زمانی از ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که ذائقه علمی طراحان سؤال سه چرخش راهبردی مهم داشته است:

• **چرخش اول:** گذار از «تاریخ اندیشه کلاسیک» به «فلسفه سیاسی معاصر و فقه سیاسی کاربردی» در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، سؤالات متعددی از اندیشه باستان و قرون وسطی (مکتب ملطی، رواقیون، سنکا، آگوستین، آکویناس، پیردویوا و...) مطرح می‌شد. اما از سال ۱۴۰۲ به بعد، وزن اندیشه باستان و قرون وسطی به شدت کاهش یافته و تمرکز طراحان بر اندیشه سیاسی **قرن بیستم و معاصر** (اشمیت، فوکو، هابرماس، اوکشات، رالز، نوزیک، مک‌فرسون، لاکلاتو و موف) و در بخش اسلامی، به جای تاریخ کلام سنتی، بر **مکاتب فقه سیاسی معاصر** (فقه حکومتی، فقه المقاصد و اندیشه مشروطه) متمرکز شده است.

• **چرخش دوم:** کاهش سهم کمی «نظریه‌های ر.ب» و جهش دو برابری «روش‌شناسی و فنون تحقیق» مهم‌ترین چرخش ساختاری آزمون، انتقال وزن از حفظیات نظریه‌های روابط بین‌الملل (کاهش از ۲۹ سؤال در ۱۴۰۱ به ۱۵ سؤال در ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۵) به سمت **روش‌شناسی عملی و فلسفه علم** (افزایش به ۱۵ سؤال در بخش مشترک + ۱۵ سؤال در بخش منطقه‌ای ۱۴۰۵) است. طراحان دیگر صرفاً به سؤالات کلی فلسفه علم بسنده نمی‌کنند، بلکه وارد جزئیات تکنیکی کارگاه پژوهش شده‌اند: انواع مقیاس‌های سنجش (اسمی، ترتیبی، بازه‌ای)، انواع نمونه‌گیری (خوشه‌ای، گلوله‌برفی)، انواع مصاحبه (فشرده، نیمه‌ساخت‌مند)، اشباع نظری در گراند تئوری، مثلث‌بندی (Triangulation)، نقد درونی و بیرونی اسناد، و تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف.

• **چرخش سوم:** تلفیق نظریه‌های روابط بین‌الملل با مطالعات منطقه‌ای در آزمون ۱۴۰۵ مشاهده می‌شود که طراحان، مفاهیم کلان روابط بین‌الملل (سازهانگاری، نولیبرالیسم، کارکردگرایی، مکتب کپنهاگ و بوزان) را مستقیماً به کالبد «مطالعات منطقه‌ای» تزریق کرده‌اند و مفاهیمی چون سطوح منطقه‌بودگی هتته، ابرمجموعه‌های امنیتی، فوق‌ملی‌گرایی تأملی و جوامع امن را در کنار دانش empirico (تجربی) از معاهدات اتحادیه اروپا، سازمان شانگهای، آسه‌آن، اوراسیا و تحولات قفقاز و خاورمیانه مورد سنجش قرار داده‌اند.

چهارم: جدول بسامد و رتبه‌بندی شخصیت‌ها و نظریه‌پردازان پرتکرار (۱۴۰۵-۱۴۰۰)

بیش از ۶۵ درصد از سؤالات آزمون دکتری، مستقیماً نام یک اندیشمند را در صورت سؤال یا در گزینه‌ها به همراه دارند. شناخت «امضای فکری» این شخصیت‌ها، سریع‌ترین راهبرد برای رسیدن به پاسخ صحیح است. در جدول زیر، پرتکرارترین اندیشمندان ۶ دوره اخیر به تفکیک حوزه‌های تخصصی رتبه‌بندی شده‌اند:

حوزه تخصصی	رتبه و نام اندیشمند / شخصیت	بسامد حضور (در صورت سؤال یا گزینه کلیدی)	کلیدواژه‌ها و مفاهیم اختصاصی مورد سؤال طراحان در ۶ سال اخیر
جامعه‌شناسی سیاسی و علم سیاست	۱. ماکس وبر	۱۲ بار	انحصار خشونت مشروع، انواع سلطه (سنتی، کاریزماتیک، قانونی)، رابطه شأن/طبقه/قدرت، بوروکراسی و روح اقتصادی مذهب.
	۲. میشل فوکو	۱۰ بار	مدل حقوقی/قضایی-گفتمانی قدرت، قدرت مولد و سوژه‌ساز، زیست‌قدرت، حکومت‌مندی (هدایت رفتار) و معنویت سیاسی در انقلاب ایران.
	۳. یروانند آبراهامیان	۷ بار	استبداد شرقی و پراکندگی اجتماعی در قاجار، ماهیت دولت صفویه، توسعه نامتوازن در انقلاب ۵۷، طبقات اجتماعی و جنبش کارگری.
	۴. آنتونی گیدنز	۶ بار	سیاست زندگی (در برابر سیاست رهایی‌بخش)، راه سوم (جایگزین سوسیال‌دموکراسی قدیم و نولیبرالیسم) و نقد تکامل‌گرایی مارشال.

حوزه تخصصی	رتبه و نام اندیشمند / شخصیت	بسامد حضور (در صورت سؤال یا گزینه کلیدی)	کلیدواژه‌ها و مفاهیم اختصاصی مورد سؤال طراحان در ۶ سال اخیر
	۵. هانا آرنت و خوان لینز	هر کدام ۶ بار	آرنت: توتالیتاریسم (لغو آزادی) در برابر اقتدارگرایی (تحدید آزادی)، جامعه ذره‌ای‌شده و تلاش برای معاش. لینز: کثرت‌گرایی محدود و سلطانیسم.
	۶. جان فوران و تدا اسکاچپول	هر کدام ۵ بار	فوران: توسعه وابسته و سرکوبگر، شکنندگی ائتلاف‌های مردمی و شباهت انقلاب ایران و نیکاراگوئه. اسکاچپول: ساختارگرایی و نادیده گرفتن ایدئولوژی.
	۷. گرامشی، پارسونز، دال و پاره تو	هر کدام ۴ بار	گرامشی: هژمونی در جامعه مدنی. پارسونز: زیرنظام‌های چهارگانه (انطباق و همبستگی). رابرت دال: پولیارشی (چندسالاری). پاره تو: گورستان اشراف‌سالاری‌ها.
اندیشه‌های سیاسی (غرب و اسلام)	۱. امام خمینی (ره)	۱۰ بار	ولایت مطلقه فقیه (شروط و عدم ملازمه علمیت و رهبری)، نظریه خطابات قانونی، فقه حکومتی، سازگاری اسلام و دموکراسی و اقبال عمومی.
	۲. ایمانوئل کانت	۷ بار	خودآیینی اراده و قرارداد اجتماعی، نسبت اخلاق و سیاست، صلح پایدار (فدراسیون جمهوری‌ها) و الهام‌بخشی به نظریه انتقادی لینکلتر.
	۳. جان لاک و توماس هابز	هر کدام ۶ بار	لاک: مالکیت طبیعی، فردگرایی مالکانه، حکومت مشروطه و حفاظت از حقوق. هابز: مالکیت به مثابه امتیاز حاکم، وضع طبیعی و ترس هابزی.
	۴. کارل پوپر	۶ بار	ابطال‌گرایی و عقل‌گرایی انتقادی، نقد افلاطون/هگل/مارکس، نقد فایده‌گرایی حداکثر شادی، و نقد مایکل فریمان بر جزم‌گرایی اجتماعی او.
	۵. کارل اشمیت و هگل	هر کدام ۵ بار	اشمیت: استقلال امر سیاسی و تقابل دوست-دشمن. هگل: گره خوردن هویت فرد به دولت، پادشاهی مشروطه و دولت اثباتی.
	۶. آیت‌الله نائینی و فارابی	هر کدام ۴ بار	نائینی: حکومت ولایتیه (مبتنی بر قانون و مراقبه)، تحدید قانون‌گذاری به امور غیرمنصوص. فارابی: فلسفه سیاسی، قوه متخیله و عقل فعال.
روابط بین‌الملل و روش‌شناسی	۱. کنث والتز (والتز)	۱۰ بار	ثبات نظام دوقطبی، سطوح تحلیل سه‌گانه، معیار مفیدیت نظریه، انسان اقتصادی، نقد بازانديش‌گرایان و تأثیر از مدل فلسفه علم لاکاتوش/تحلیل‌باوری.
	۲. رابرت کی‌وهین (کوهین)	۸ بار	نهادگرایی نولیبرال، تسهیل همکاری، وابستگی متقابل (حساسیت و آسیب‌پذیری)، نقد بازانديش‌گرایان به دلیل فقدان برنامه پژوهشی منسجم.

حوزه تخصصی	رتبه و نام اندیشمند / شخصیت	بسامد حضور (در صورت سؤال یا گزینه کلیدی)	کلیدواژه‌ها و مفاهیم اختصاصی مورد سؤال طراحان در ۶ سال اخیر
	۳. رابرت کاکس	۷ بار	تقسیم نظریه‌ها به حل‌المسائل (مشکل‌گشا) و انتقادی، بین‌المللی شدن دولت، ساختار (انگاره، نهاد، توانمندی مادی) و بلوک تاریخی ضدژمونیک.
	۴. هدی بول و الکساندر ونت	هر کدام ۶ بار	بول (مکتب انگلیسی): قرون وسطی‌گرایی جدید، نظم بین‌المللی در برابر نظم جهانی، همکاری در آنارشی. ونت: سازهانگاری، هویت و نقش، واقع‌گرایی انتقادی.
	۵. رابرت گیلپین و ریچارد اشلی	هر کدام ۵ بار	گیلپین: تغییر نظام در برابر تغییر در نظام، تمایز تحلیلی اقتصاد و سیاست، دستاورد نسبی/مطلق. اشلی: فقر نواقع‌گرایی و مشکله آنارشی.
	۶. جیمز روزنا و اندرو لینکلتر	هر کدام ۴ بار	روزنا: متغیرهای پنج‌گانه سیاست خارجی و دسته‌بندی دولت‌محور/چندمحور/جهان‌محور. لینکلتر: نظریه انتقادی (سنتز کانت و مارکس) و اخلاق گفتمان.

پنجم: توصیه‌های راهبردی برای مطالعه هدفمند

۱. مطالعه «تطبیقی-مقایسه‌ای» به جای مطالعه خطی: طراحان آزمون دکتری به شدت به طرح سؤالات مقایسه‌ای علاقه دارند (مثلاً: مقایسه هابز و لاک در مالکیت؛ مقایسه دولت دینی و ایدئولوژیک؛ مقایسه اقتدارگرایی و توتالیتریزم در نگاه آرنست؛ مقایسه محیط‌زیست‌گرایی و سیاست سبز؛ مقایسه آبراهامیان، فوران و گازبوروسکی در انقلاب ایران). بنابراین، هنگام مطالعه هر مفهوم، بلافاصله جدول تمایزات آن را با مفهوم رقیب ترسیم کنید.

۲. سرمایه‌گذاری حداکثری بر روی «بخش‌های دارای بازده سریع»: دروس اصول روابط بین‌الملل (۵ سؤال)، سیاست خارجی ایران (۵ سؤال) و روش‌شناسی (۱۵ تا ۳۰ سؤال) دارای منابع بسیار مشخص و چارچوب‌داری هستند. در حالی که مطالعه تاریخ اندیشه سیاسی یا مسائل مناطق نیازمند صرف زمان طولانی است، تسلط بر این سه درس می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان، بیش از ۳۵ درصد نمره آزمون شما را به صورت قطعی تأمین کند.

۳. مهارت در تکنیک «رد گزینه از طریق قیود مطلق‌ساز و سنخ‌شناسی واژگان»: همان‌طور که در کالبدشکافی تشریحی سؤالات ۱۴۰۵ در این کتاب نشان داده شده است، در بیش از ۹۰ درصد سؤالات علوم انسانی، گزینه‌هایی که حاوی قیود انحصاری و مطلق‌ساز نظیر «صرفاً»، «فقط»، «همواره»، «هیچ‌گاه» و «مطلقاً» هستند، گزینه‌های انحرافی و نادرست‌اند (مگر در توصیف رژیم‌های توتالیتر یا سلطانی). تسلط بر این تکنیک‌های تست‌زنی که در ذیل تک‌تک سؤالات این مجموعه آموزش داده شده است، سرعت و دقت شما را در جلسه آزمون دوچندان خواهد کرد.

پیش‌گفتار

آزمون ورودی مقطع دکترای تخصصی (Ph.D) مجموعه «علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای» (کد ۲۱۶۰) در ادوار اخیر، بازتاب‌دهنده دگرگونی‌های عمیق مفهومی، پارادایمی و روش‌شناختی در ساحت دانش سیاست است. تجربه زیسته آزمون‌های سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ گواهی روشن بر آن است که سنجش علمی داوطلبان دیگر به گردآوری محفوظات پراکنده و خوانش خطی منابع حجیم متکی نیست؛ بلکه موفقیت در این رقابت علمی مستلزم شناخت دقیق هندسه موضوعی، درک زبان و منطق طراحان، و دست‌یابی به نقشه‌ای راهبردی و منسجم است.

مجموعه پیش‌رو حاصل کارشناسی و واکاوی تخصصی «گروه مولفین پردازش» است که با هدف ارتقای بینش تحلیلی، صرفه‌جویی هدفمند در زمان پژوهشگران و تضمین آمادگی همه‌جانبه مخاطبان طراحی و تدوین گردیده است.

۱. رویکرد روش‌شناختی و شیوه تدوین مجموعه

در تدوین این اثر، فراتر از گردآوری صرف سؤالات و کلیدها، از یک روش چندوجهی، ساختارمند و کالبدشکافانه بهره گرفته شده است که اجزای آن به شرح زیر سامان یافته‌اند:

۱. **کالبدشکافی موضوعی سؤالات:** هر پرسش ابتدا در بستری فراتر از یک صورت‌مسئله تستی، از حیث ریشه‌های معرفتی، قلمرو فکری و جایگاه آن در منظومه کلان علم سیاست و روابط بین‌الملل جایابی می‌شود.

۲. **پاسخ‌نامه جامع، تفصیلی و انتقادی:** تبیین گزاره‌های صحیح با ارجاع به نصوص اصلی، نظریه‌ها و آراء متفکران صورت پذیرفته است. همچنین در بخش «بررسی سایر گزینه‌ها»، دلایل ابطال و تله‌های مفهومی تک‌تک گزینه‌های نادرست به‌طور موشکافانه تبیین شده است تا داوطلب به درکی ترکیبی و همه‌جانبه دست یابد.

۳. **تبارشناسی مفاهیم و اندیشمندان:** کشف خاستگاه مکاتب، معرفی کتب مرجع، پیوند میان نظریه‌پردازان و مقولات معرفت‌شناختی، تاریخی و روش‌شناختی در ساختاری نظام‌مند در ذیل پرسش‌ها درج شده است.

۴. **تکنیک‌های رد گزینه و رهیافت‌های تستی:** آموزش شیوه رویارویی با تله‌های شناختی، شناسایی عبارات انحصاری و قیود مطلق ساز (مانند «صرفاً»، «فقط»، «همواره» و «مطلقاً»)، سنخ‌شناسی واژگان و مهارت «جفت‌سازی کلیدواژه‌ها با شناسنامه نظریه‌پردازان» در کسری از ثانیه.

۲. معماری ساختاری، سرفصل‌ها و محتویات مجموعه

محتوای کتاب بر مبنای دفترچه‌های مصوب و استاندارد آزمون، در سه بخش کلان، ۱۱ درس و ۴۲ زیرمبحث تفکیک شده است:

• بخش نخست: سیاست‌شناسی، اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی ج.ا.ا. (۳۰ سؤال مشترک):

○ **سیاست‌شناسی:** مبانی علم سیاست، مفهوم دولت، قدرت، بوروکراسی، ایدئولوژی‌ها، سیاست تطبیقی، فرهنگ سیاسی، احزاب و گونه‌شناسی رژیم‌ها.

○ **اصول روابط بین‌الملل:** مفاهیم کانونی قدرت، هژمونی، امنیت، منافع ملی، سطوح تحلیل، فرایندهای تصمیم‌گیری و ساختار نظام بین‌الملل.

- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: شالوده‌های هویتی و قانون اساسی، تقابل و تطور گفتمان‌ها (از دولت موقت، سازندگی و اصلاحات تا اصول‌گرایی) و تحلیل تاریخ دیپلماسی و بحران‌های منطقه‌ای.

• بخش دوم؛ اندیشه‌ها، جامعه‌شناسی سیاسی، نظریه‌های روابط بین‌الملل و روش‌شناسی (۵۰ سؤال تخصصی):

- اندیشه‌های سیاسی: اندیشه غرب (کلاسیک، مدرن و متفکران متأخر)، فلسفه و فقه سیاسی اسلام (فقه المقاصد، فقه حکومتی و ولایت فقیه) و تحول اندیشه سیاسی در ایران.
- جامعه‌شناسی سیاسی: نظریه‌های دولت، قدرت، طبقات، جنبش‌های اجتماعی قدیم و جدید، و کالبدشکافی ساختار دولت، نوسازی و انقلاب در تاریخ معاصر ایران.
- نظریه‌های روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل: مناظرات کلان، مکاتب کلاسیک و نوواقع‌گرایی، نولیبرالیسم نهادگرا، مکتب انگلیسی، سازه‌نگاری، نظریه‌های انتقادی، پساتجددگرایی، سیاست سبز و اقتصاد سیاسی جهانی.
- روش‌شناسی: فلسفه علم، رویکردهای تفسیری و هرمنوتیک، نهادگرایی جدید، تحلیل گفتمان، و تکنیک‌های میدانی و کیفی/کمی طرح پژوهش.

• بخش سوم؛ بسته اختصاصی مطالعات منطقه‌ای (۸۰ سؤال آزمون ۱۴۰۵):

- مشتمل بر نظریه‌ها و مفاهیم منطقه‌گرایی (منطقه‌بودگی، نظریه‌های همگرایی و امنیت منطقه‌ای)، روش پژوهش تخصصی در مطالعات منطقه‌ای، و واکاوی میدانی و نظری مسائل مناطق پنج‌گانه جهان (اروپا، خاورمیانه و خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز، آمریکا و آمریکای لاتین، و شرق و جنوب شرقی آسیا).

۳. ویژگی‌های برجسته و نقشه راه مطالعاتی

از دیگر مزایای انحصاری این اثر، ارائه نقشه راه آماری بر پایه تحلیل ۵۸۰ سؤال آزمون‌های سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ است:

- نمودار و جداول توزیع فراوانی موضوعی دروس برای بهینه‌سازی زمان داوطلب بر پایه‌های پرتکرار.
- جدول رتبه‌بندی بسامد شخصیت‌ها و نظریه‌پردازان کنونی (مانند ماکس وبر، میشل فوکو، امام خمینی (ره)، کنث والتز، کارل اشمیت و آنتونی گیدنز) به همراه کدهای واژگانی اختصاصی آن‌ها.
- رهنمودهای کاربردی برای استفاده حداکثری از دروس کلیدی با بازده سریع (نظیر جهش سهم درس روش‌شناسی) که برگ برنده رتبه‌های برتر به شمار می‌آید.

امید است مطالعه این مجموعه وزین، چراغ راهی مطمئن، منسجم و الهام‌بخش برای تمامی پژوهشگران، داوطلبان و پویندگان مدارج عالیه علمی در عرصه علوم سیاسی و بین‌المللی واقع گردد.

گروه مولفین پردازش

پاییز ۱۴۰۵

آزمون دکترای علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای ۱۴۰۵

سیاست‌شناسی - اصول روابط بین‌الملل -

سیاست خارجی جمهوری اسلامی



۱. تکرار «أَطِيعُوا» در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» بر کدام مورد دلالت دارد؟
 - (۱) فرمان‌های غیر سیاسی رسول
 - (۲) فرمان‌های رسول صرفاً در تشریع
 - (۳) فرمان‌های رسول صرفاً در امر حکمرانی
 - (۴) تفکیک فرمان‌های رسول در تشریع و حکمرانی
۲. کدام جریان زیست محیط گرا دلیل ویرانی محیط زیست را تمایل یغماگرانه سرمایه داری به کسب سود میداند؟
 - (۱) اکوفمنیسم
 - (۲) اکولیبرالیسم
 - (۳) اکوسوسیالیسم
 - (۴) محافظه کاری زیست بوم گرا
۳. ایده سیاست بر پایه خیر مشترک به جای سیاست بر پایه حقوق در دوره معاصر توسط کدام مکتب فکری مطرح شده است؟
 - (۱) اجتماع گرایی
 - (۲) راست نو
 - (۳) نولیبرالیسم
 - (۴) نومحافظه کاری
۴. بیان و تجمیع منافع حفظ ثبات سیاسی و کاربست مدیریت و ارائه نظر مشورتی درباره سیاست از کارکردهای کدام مفهوم سیاسی است؟
 - (۱) احزاب
 - (۲) بوروکراسی
 - (۳) جناح های سیاسی
 - (۴) گروه های ذی نفوذ
۵. کدام مورد در خصوص تفاوت دولت دینی و دولت ایدئولوژیک نادرست است؟
 - (۱) دولت دینی برخلاف دولت ایدئولوژیک تنها یک روایت ندارد.
 - (۲) در دولت ایدئولوژیک برخلاف دولت دینی اعتبار شخصیتها به نظریه ها است.
 - (۳) دولت دینی برخلاف دولت ایدئولوژیک بر بنیاد خطا پذیری هرگونه آراء اجتهادی استوار است.
 - (۴) در دولت ایدئولوژیک برخلاف دولت دینی حمایت از تفسیر رسمی از جنس استدلال و اجتهاد نیست
۶. کدام اندیشمند نظریه دموکراسی رادیکال را مطرح کرده است؟
 - (۱) یورگن هابرماس
 - (۲) ارنستو لاکلائو
 - (۳) جان دیویی
 - (۴) آلن تورن
۷. جدی ترین و سازمان یافته ترین بازنگری سیاست از منظر فرهنگی در عصر معاصر توسط کدام مکاتب صورت گرفته است؟
 - (۱) کثرت گرایی و نوکثرت گرایی
 - (۲) کورپوراتیسم و ساختارگرایی
 - (۳) پسامختارگرایی و پسامارکسیسم
 - (۴) نخبه گرایی جدید و نوکارکردگرایی
۸. کدام یک از ویژگی‌های جنبشهای اجتماعی جدید نیست؟
 - (۱) به ساختارهای بوروکراتیک بدبین هستند.
 - (۲) دارای رهبری سیاسی هستند.
 - (۳) به رسانه های جمعی متکی هستند.
 - (۴) غیر ابزاری هستند.



۹. عبارت «تاریخ گورستان اشراف سالاریها است.» مربوط به کدام مورد است؟
(۱) نظریه نخبگان روبرت میخلز
(۲) ماتریالیسم تاریخی کارل مارکس
(۳) نخبگان قدرت سی رایت میلز
(۴) نظریه نخبگان ویلفردو پاره تو
۱۰. ویژگی‌های جنبش‌های کاریزمایی کدام است؟
(۱) برجستگی شخصی رهبر بروز در خلا معنا، احتمالاً سنت شکنی کنش در شکل عاطفی
(۲) برجستگی شخصی رهبر بروز در خلا معنا اعاده همبستگی سنتی کنش در شکل سنتی
(۳) برجستگی شخصی رهبر بروز در بحرانهای اقتصادی احتمالاً سنت شکنی کنش در شکل عقل گرایانه
(۴) برجستگی شخصی، رهبر بروز در بحرانهای اقتصادی اعاده همبستگی سنتی کنش در شکل عقل گرایانه
۱۱. بر اساس اندیشه امام خمینی (ره) در باب حکومت اسلامی کدام مورد درست است؟
(۱) حق حاکمیت از آن خدا است اما تحقق عینی حکومت دینی نیازمند اقبال نخبگان سیاسی است.
(۲) حق حاکمیت ذاتی از آن خدا و مردم است اما تحقق عینی حکومت دینی نیازمند اقبال فقها به حکومت است.
(۳) حق حاکمیت از آن مردم است اما تحقق عینی حکومت دینی نیازمند اقبال فقها و نخبگان سیاسی است.
(۴) حق حاکمیت ذاتی به لحاظ نظری از آن خدا است اما تحقق عینی حکومت دینی نیازمند اقبال عمومی است.
۱۲. کدام متفکر سیاسی مفهوم معنویت گرایی سیاسی را در تحلیل انقلاب اسلامی ایران مطرح کرده است؟
(۱) چارلز تیلی (۲) جان فوران (۳) میشل فوکو (۴) تدا اسکاچ پل
۱۳. از نظر فقهای مقاصدگرای اهل سنت در طرح تمدن اسلامی کدام رابطه میان عقل و وحی در نظر گرفته میشود؟
(۱) تساوی (۲) توازن (۳) تکامل (۴) تباین
۱۴. نقد مایکل فریمان بر دیدگاه کارل ریموند پوپر چیست؟
(۱) معرفت شناسی پوپر ابطال پذیر است اما فلسفه اجتماعی وی جزم گراست.
(۲) دقیقاً مشخص نیست که او یک سوسیال دموکرات است یا یک لیبرال دموکرات
(۳) با وجود فراخواندن افراد و مکاتب دیگر به تساهل و تسامح در دفاع از لیبرالیسم غیر منعطف و مطلق نگر است.
(۴) اگرچه نوعی توازن بین فلسفه علم و نظریه اجتماعی پوپر دیده میشود ولی عدم تقارن و تنش نیز وجود دارد.
۱۵. کدام جریان مارکسیستی به فرایند دموکراتیک رقابت حزبی اصلاحات رفاهی و اجتماعی توجه جدی داشته است؟
(۱) مارکسیسم ارتدوکس (۲) مارکسیسم فلسفی
(۳) مارکسیسم انقلابی (۴) نومارکسیسم
۱۶. مطابق با الگوی جامعه «منشوری ریکز کدام ویژگی به بهترین نحو بیانگر ماهیت گذار در این جوامع است؟
(۱) حرکت خطی و اجتناب ناپذیر از سنت به مدرنیته
(۲) جایگزینی کامل نهادهای سنتی با نهادهای مدرن
(۳) حذف تدریجی فرمالیسم و بوروکراسی از طریق نوسازی شتابان
(۴) هم زمانی و تلفیق عناصر سنتی و مدرن در ساختارهای نهادی بدون ضرورت حرکت به سمت نوسازی
۱۷. در مطالعات نظام‌های سیاسی تطبیقی مقایسه فرهنگ سیاسی در سطح «نظام» حول چه محوری انجام میگردد؟
(۱) اشکال مختلف مشارکت و اطاعت از قوانین
(۲) دیدگاه شهروندان و مقامات درباره ارزشها و سازمانهای قوام بخش نظام سیاسی
(۳) انتظارات شهروندان و رهبران از سیاستهای حکومت و چگونگی تعیین اهداف و دستیابی به آنها
(۴) تمایلات افراد برای درگیر شدن در اموری مانند طرح تقاضاها و حمایت از بعضی گروهها و مخالفت با برخی دیگر



۱۸. کدام یک از موارد زیر بیان‌کننده ویژگی‌های درست و دقیق دموکراسی اجماعی است؟
 (۱) نمایندگی اکثریت مردم و گروه‌های جمعیتی و تمرکز قدرت در پارلمان
 (۲) نمایندگی اکثریت و تمرکز قدرت در دست مجریان سیاسی
 (۳) نمایندگی اپوزیسیون و تمرکز قدرت در پارلمان
 (۴) نمایندگی اقلیتها و تمرکز قدرت در نخبگان
۱۹. پس از ناکامی در تفکیک نظام‌های سیاسی به سنتی «در حال توسعه» و «مدرن» نظام‌های سیاسی براساس کدام دسته‌بندی‌ها تقسیم بندی شد؟
 (۱) لیبرال دموکراسی کمونیستی و اسلامی دموکراتیک و اقتدارگرا
 (۲) لیبرال دموکراسی پوپولیستی و اقتدارگرا
 (۳) دموکراتیک و اقتدارگرا
 (۴) غیر رقابتی رقابتی و ناهمگن
۲۰. کدام یک در خصوص نظام‌های حزبی اقتدارگرای فراگیر درست است؟
 (۱) به جای جذب انواع گروه‌ها به درون خود میکوشند به درون آنها رخنه کنند.
 (۲) حزب کمونیست در شوروی سابق بهترین نمونه این گونه نظام حزبی محسوب میشود.
 (۳) خط مشی آنها مبتنی بر کنترل و رخنه‌گری متمرکز و درازمدت و بسیج ایدئولوژیک مطلق است.
 (۴) استقلال عمل گروه‌های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی را به رسمیت می‌شناسند و میکوشند آنها را به درون خود جذب کنند.
۲۱. عبارت زیر اعتقاد کدام نظریه پرداز است؟ عوامل داخلی فرد، نقش حکومت و اجتماع و عوامل خارجی متغیرهایی هستند که بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند.
 (۱) رز کرانس (۲) مرشایمر (۳) آلیسون (۴) روزنا
۲۲. در تعریف کدام مفهوم معمولاً به عنصر مشروعیت سلطه و رضایت توجه میشود؟
 (۱) هژمون (۲) ابرقدرت (۳) قدرت برتر (۴) قدرت بزرگ
۲۳. در کدام اتحاد دولت ضرورتی نمی‌بیند که خود را از لحاظ نظامی و اقتصادی رسماً به دیگری متعهد سازد؟
 (۱) عقیم (۲) طبیعی
 (۳) دامنظوری (۴) تجدید نظر طلبانه
۲۴. از منظر واقع‌گرایی معیار عمده در اتخاذ تصمیمات مربوط به سیاست خارجی کدام است؟
 (۱) الگوهای ساختاری داخلی (۲) نیت سایر دولتها
 (۳) منافع ملی (۴) هویت ملی
۲۵. کدام مورد ماهیت و گستره نظم را به صورت جهانی یا بین‌المللی تعیین میکند؟
 (۱) سرشت و نوع بازیگران (۲) ایدئولوژی رهبران در عرصه داخلی
 (۳) الگوهای تعامل میان بازیگران (۴) توزیع قدرت در عرصه فراملی
۲۶. مهم‌ترین ساختار فکری که هویت ملی جمهوری اسلامی ایران را قوام می‌بخشد و به سیاست خارجی آن شکل می‌دهد کدام است؟
 (۱) ملت‌گرایی (۲) انقلابی‌گری (۳) جهان‌سوم‌گرایی (۴) اسلام‌گرایی شیعی
۲۷. اهداف فراملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از کدام مورد نشأت می‌گیرند؟
 (۱) ساختار تصمیم‌گیری و فرایندهای بوروکراتیک جمهوری اسلامی ایران
 (۲) ظلم ستیزی عدالت‌طلبی و مسالمت‌جویی جمهوری اسلامی ایران
 (۳) ماهیت انقلاب اسلامی و هویت اسلامی جمهوری اسلامی ایران
 (۴) جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران



۲۸. دلیل قطع گفت و گوهای انتقادی اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۷ چه بود؟

- (۱) صدور حکم فتوای محکومیت به مرگ سلمان رشدی از سوی امام خمینی
- (۲) صدور حکم دادگاه میکونوس علیه جمهوری اسلامی ایران
- (۳) موضع گیری جمهوری اسلامی ایران در محکوم کردن سیاست اسلام هراسانه اتحادیه اروپا
- (۴) اعتراض جمهوری اسلامی ایران به برخورد دوگانه اتحادیه اروپا با مقوله حقوق بشر

۲۹. جهت گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت موقت کدام است؟

- (۱) عدم تعهد انقلابی عدم تعهد محافظه کار
- (۲) عدم تعهد اصلاح طلب
- (۳) عدم تعهد محافظه کار
- (۴) عدم تعهد تجدید نظر طلب

۳۰. گفتمان مصلحت گرایی مرکز محور با کدام خرده گفتمان شباهت و قرابت بیشتری دارد؟

- (۱) آرمان گرایی امت محور
- (۲) اصول گرایی عدالت محور
- (۳) واقع گرایی اسلامی
- (۴) واقع گرایی ملت محور



موضوع سوال

موضوع اصلی این سؤال، ریشه‌یابی قرآنی و فقهی مبانی مشروعیت و ابعاد اقتدار سیاسی در اندیشه سیاسی اسلام است. این پرسش مشخصاً بر یکی از بنیادین‌ترین مباحث فقه سیاسی (نظریه ولایت و تفکیک شئون پیامبر) و تفاوت میان «احکام الهی/شرعی» و «احکام حکومتی/ولایی» تمرکز دارد که در جغرافیای علم سیاست، زیرمجموعه اندیشه سیاسی در اسلام طبقه‌بندی می‌گردد.

پاسخ تشریحی

بر اساس آراء مفسرین بزرگ (نظیر علامه طباطبایی در تفسیر/المیزان) و نظریه‌پردازان فقه سیاسی اسلام (نظیر امام خمینی)، پیامبر اکرم (ص) دارای شئون و مقامات متعددی بوده‌اند.

۱. **شأن رسالت و تشریع (ابلاغ احکام):** در این مقام، ایشان واسطه وحی و مبین احکام الهی هستند. اطاعت در این بخش، در واقع همان اطاعت از خداوند (أَطِيعُوا اللَّهَ) است.

۲. **شأن ولایت و حکمرانی (اداره جامعه):** در این مقام، ایشان به عنوان رئیس دولت اسلامی در مدینه، فرامین و احکامی را برای نظم عمومی، جنگ، صلح و اداره امور جامعه صادر می‌کردند که به آن «احکام حکومتی» می‌گویند.

تکرار فعل «أَطِيعُوا» برای رسول، از منظر ادبیات عرب و فقه سیاسی، دلالت بر استقلال شأن دوم (حکمرانی) از شأن اول (تشریع محض) دارد. خداوند با این تکرار، تأکید می‌کند که فرامین حکومتی و اجرایی پیامبر نیز به اندازه فرامین و حیانی واجب‌الاطاعه است. بنابراین، این تکرار مفهومی، به روشنی تفکیک نظری و عملی میان فرمان‌های رسول در مقام تشریع (بیان قانون) و مقام حکمرانی (اجرای قانون و تدبیر مدُن) را نشان می‌دهد.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **گزینه ۱ (فرمانهای غیر سیاسی رسول):** این گزینه کاملاً باطل است، زیرا شأن نزول و سیاق آیه که در ادامه به «أُولَى الْأَمْرِ» (صاحبان امر/حاکمان) اشاره می‌کند، مستقیماً به حوزه سیاست و مدیریت جامعه ارتباط دارد.
- **گزینه ۲ (فرمانهای رسول صرفاً در تشریع):** اگر پیامبر صرفاً شأن تشریعی داشت، نیازی به تکرار فعل «أَطِيعُوا» نبود، زیرا ابلاغ وحی همان اطاعت از خداست. محدود کردن پیامبر صرفاً به مقام قانون‌گذار، نادیده گرفتن جایگاه تاریخی ایشان به عنوان حاکم سیاسی مدینه است.
- **گزینه ۳ (فرمانهای رسول صرفاً در امر حکمرانی):** این گزینه نیز به دلیل استفاده از قید «صرفاً» باطل است. پیامبر قطعاً شأن تشریع و تفسیر وحی را نیز بر عهده داشته‌اند و فرامین ایشان محدود به مسائل اجرایی و حکومتی نبوده است.

نکات تکمیلی

- **راه حل تستی:** در آزمون‌های تحصیلات تکمیلی، وجود قیدهای مطلق‌ساز و انحصاری نظیر «صرفاً»، «فقط»، «همواره» و «هیچ‌گاه» در گزینه‌ها، در بیش از ۹۰ درصد مواقع نشان‌دهنده یک تله انحرافی و نادرستی آن گزینه است. در گزینه‌های ۲ و ۳ استفاده از کلمه «صرفاً» فوراً به یک داوطلب مسلط سیگنال می‌دهد که طراح قصد دارد ابعاد چندگانه شخصیت پیامبر را به یک بُعد تقلیل دهد، لذا این دو گزینه به راحتی با تکنیک «رد گزینه» حذف می‌شوند.

موضوع سوال

این پرسش در حوزه مبانی علم سیاست و ایدئولوژی‌های سیاسی مدرن (مشخصاً مکتب بوم‌گرایی یا سیاست‌های سبز) طبقه‌بندی می‌شود. محور اصلی سؤال، ریشه‌یابی و علت‌شناسی بحران‌های زیست‌محیطی از منظر خرده‌گفتمان‌های مختلف حامی محیط زیست است. هر یک از این جریان‌ها، مقصر اصلی تخریب طبیعت را پدیده‌ای متفاوت می‌دانند و طراح سؤال دقیقاً بر روی عامل «سرمایه‌داری و سودمحوری» انگشت گذاشته است.

پاسخ تشریحی

جریان **اکوسوسیالیسم (بوم‌گرایی سوسیالیستی)** که پیوندی میان آموزه‌های مارکسیسم/سوسیالیسم و دغدغه‌های زیست‌محیطی است، استدلال می‌کند که ریشه اصلی ویرانی طبیعت، ذات نظام سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) است. در منطق سرمایه‌داری، طبیعت نه به عنوان یک زیست‌بوم دارای ارزش ذاتی، بلکه صرفاً به عنوان یک «کالا» و منبعی برای استثمار و انباشت



ثروت در نظر گرفته می‌شود. اکوسوسیالیست‌ها معتقدند که تمایل سیری‌ناپذیر سرمایه‌داری به رشد اقتصادی بی‌نهایت و کسب سود حداکثری، در تضاد بنیادین با محدودیت‌های فیزیکی و زیستی کره زمین قرار دارد. از این منظر، تا زمانی که منطق سودآوری جای خود را به منطق رفع نیازهای واقعی انسانی و حفظ تعادل اکولوژیک (در یک نظام سوسیالیستی) ندهد، بحران محیط زیست حل نخواهد شد.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **گزینه ۱ (اکوفمینیسم):** بوم‌فمینیسم یا اکوفمینیسم، تخریب محیط زیست را نه لزوماً به سرمایه‌داری، بلکه به «نظام سلطه مردسالارانه» (پاتریارشی) نسبت می‌دهد. از دید این مکتب، همان تفکر و ساختاری که به فرودستی و استثمار زنان می‌انجامد، عامل تسلط و استثمار طبیعت نیز هست.
- **گزینه ۲ (اکولیبرالیسم):** بوم‌گرایی لیبرال (یا سرمایه‌داری سبز) نه تنها سرمایه‌داری را عامل اصلی نابودی نمی‌داند، بلکه معتقد است می‌توان بحران‌های زیست‌محیطی را از طریق سازوکارهای بازار آزاد، نوآوری‌های تکنولوژیک، مالیات‌های سبز و توسعه پایدار حل کرد.
- **گزینه ۴ (محافظه‌کاری زیست‌بوم‌گرا):** این جریان، حفظ محیط زیست را از دریچه سنت، امانت‌داری (Stewardship) و پاسداری از میراث گذشتگان برای نسل‌های آینده می‌نگرد و رویکردی ضدسرمایه‌داری یا رادیکال برای نفی سودمحوری ندارد.

نکات تکمیلی

- **راه حل تستی:** کلیدواژه‌های طلایی در این سؤال عبارتند از: «سرمایه‌داری» و «کسب سود». در ادبیات علوم سیاسی، هرگاه ریشه یک بحران، نابرابری یا تخریب به «استثمار»، «نظام سرمایه‌داری» و «سودمحوری» گره بخورد، بدون تردید باید به دنبال گزینه‌ای باشید که ریشه در اندیشه‌های چپ، مارکسیستی یا سوسیالیستی دارد. ترکیب پیشوند «اکو» با «سوسیالیسم» در گزینه ۳، در کسری از ثانیه پاسخ را برای داوطلب مسلط نمایان می‌کند.

۳. گزینه ۱

موضوع سوال

این پرسش مستقیماً به قلب یکی از مهم‌ترین مناظرات فلسفه سیاسی معاصر، یعنی «مناظره لیبرال‌ها و اجتماع‌گرایان» در دهه‌های پایانی قرن بیستم اشاره دارد. موضوع محوری این سؤال، تقابل دوگانه «تقدم حق (Rights) بر خیر (Good)» در اندیشه سیاسی است و جایگاه آن در مباحث اندیشه‌های سیاسی غرب (دوره معاصر) طبقه‌بندی می‌شود.

پاسخ تشریحی

اجتماع‌گرایی (Communitarianism) جریانی فکری است که در دهه ۱۹۸۰ میلادی و در واکنش به کتاب مشهور جان رالز (نظریه عدالت - ۱۹۷۱) پدیدار شد. در سنت لیبرالیسم (به‌ویژه لیبرالیسم کانتی و رالزی)، اصل بر «تقدم حق بر خیر» است؛ بدین معنا که دولت باید نسبت به برداشت‌های مختلف از «زندگی خوب» بی‌طرف باشد و صرفاً چارچوبی از «حقوق و آزادی‌های فردی» را تضمین کند تا هر فرد بتواند خیر مطلوب خود را دنبال نماید.

در مقابل، متفکران اجتماع‌گرا نظیر مایکل ساندل (Michael Sandel)، چارلز تیلور (Charles Taylor)، السدیر مک‌ایننتایر (Alasdair MacIntyre) و مایکل والزر (Michael Walzer) استدلال می‌کنند که هویت انسان، پیش از اجتماع و مستقل از آن وجود ندارد (نقد انسان بی‌تکلف لیبرال). از منظر آن‌ها، حقوق فردی نمی‌توانند مستقل از درک جامعه از «خیر مشترک» (Common Good) تعریف شوند. بنابراین، سیاست‌معدن‌دار، سیاستی است که بر پایه فضایل مدنی، پیوندهای اجتماعی و ترویج خیر مشترک بنا شده باشد، نه صرفاً بر پایه حقوق انتزاعی و فردگرایانه.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **گزینه ۲ (راست‌نو):** راست‌نو (New Right) ملغمه‌ای از اقتصاد نولیبرال و سیاست‌های اجتماعی نومحافظه‌کارانه است. اگرچه شاخه نومحافظه‌کار آن به ارزش‌های سنتی اهمیت می‌دهد، اما شالوده اقتصادی آن به شدت بر حقوق مالکیت فردی و بازار آزاد استوار است و منادی سیاست مبتنی بر خیر مشترک به معنای فلسفی اجتماع‌گرایانه نیست.



- گزینه ۳ (نولیبرالیسم): نولیبرالیسم (با متفکرانی چون فردریش هایک و رابرت نوزیک) رادیکال‌ترین مدافع حقوق و آزادی‌های منفی فردی و مالکیت خصوصی است. این مکتب مفهوم «خیر مشترک» یا «عدالت اجتماعی» را مفاهیمی توخالی و حتی خطرناک می‌داند که به توتالیتاریسم ختم می‌شوند.
- گزینه ۴ (نومحافظه‌کاری): نومحافظه‌کاری (Neoconservatism) بیشتر یک رویکرد پراگماتیک در سیاست خارجی (مانند مداخله‌گرایی دموکراتیک) و سیاست داخلی (تأکید بر میهن‌پرستی، مذهب و اقتدار دولت) است. با وجود اینکه به انسجام اجتماعی اهمیت می‌دهد، اما مفهوم‌پردازی فلسفی جایگزینی «خیر مشترک» به جای «حقوق»، دستاورد انحصاری و تئوریک مکتب اجتماع‌گرایی در برابر لیبرالیسم است.

نکات تکمیلی

- راه حل تستی: کلیدواژه طلایی و تقابل‌ساز در این سؤال، دوگانه «خیر مشترک (Common Good)» در برابر «حقوق (Rights)» است. در ادبیات علوم سیاسی، هر جا این دوگانه و نقد فردگرایی مطرح شد، بلافاصله باید به سراغ اجتماع‌گرایی (Communitarianism) بروید. اگر تقابل میان «آزادی منفی» و «برابری/توزیع ثروت» بود، پاسخ به سمت سوسیالیسم یا سوسیال‌دموکراسی میل می‌کرد.

گزینه ۲) ۴.

موضوع سوال

این پرسش به یکی از مباحث بنیادین مبانی علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی، یعنی «نهادهای حکومتی و کارکردهای آن‌ها» اختصاص دارد. محور اصلی سؤال، شناسایی نهادی است که مجموعه‌ای از وظایف اجرایی، مشورتی و حائل‌گونه (میان جامعه و دولت) را به صورت هم‌زمان بر عهده دارد. طبقه‌بندی کارکردی مطرح‌شده در صورت سؤال، مستقیماً از ادبیات کلاسیک علم سیاست و مشخصاً کتاب سیاست اندرو هیوود (Andrew Heywood) استخراج شده است.

پاسخ تشریحی

بوروکراسی (Bureaucracy) یا دیوان‌سالاری، در دولت‌های مدرن فراتر از یک ماشین ساده اجرایی عمل می‌کند. اندرو هیوود در طبقه‌بندی مشهور خود، چهار کارکرد اصلی برای بوروکراسی‌های مدرن برمی‌شمارد که دقیقاً منطبق بر صورت سؤال است:

۱. **کاربست مدیریت (اجرای سیاست‌ها):** وظیفه اصلی بوروکرات‌ها اجرای قوانین و تصمیمات اتخاذ شده توسط سیاستمداران و مدیریت روزمره امور دولتی است.
۲. **ارائه نظر مشورتی درباره سیاست:** دیوان‌سالاران به دلیل تخصص، دسترسی به داده‌ها و تجربه انباشته، مشاوران اصلی وزرا و سیاستمداران در تدوین سیاست‌های کلان محسوب می‌شوند.
۳. **بیان و تجمیع منافع:** اگرچه این کارکرد معمولاً به احزاب و گروه‌های فشار نسبت داده می‌شود، اما بوروکراسی‌ها نیز (به‌ویژه وزارتخانه‌های تخصصی مانند کشاورزی یا صنایع) منافع گروه‌های خاص تحت پوشش خود را دریافت، تجمیع و در فرایند سیاست‌گذاری به حاکمیت منتقل می‌کنند.
۴. **حفظ ثبات سیاسی:** در زمان تغییر دولت‌ها، بحران‌های سیاسی یا تزلزل کابینه‌ها، این بوروکراسی دائمی و غیرحزبی است که تداوم و ثبات خدمات دولتی و نظم عمومی را تضمین می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه ۱ (احزاب): وظیفه اصلی احزاب سیاسی، تجمیع منافع، رقابت انتخاباتی، تشکیل دولت و جامعه‌پذیری سیاسی است. احزاب مستقیماً «کاربست مدیریت» (در معنای اداری و بوروکراتیک آن) را انجام نمی‌دهند و پس از پیروزی، این بوروکراسی است که مجری سیاست‌های آنان می‌شود.
- گزینه ۳ (جناح‌های سیاسی): جناح‌ها (Factions) گروه‌بندی‌های غیررسمی در درون احزاب یا هیئت حاکمه هستند که فاقد ساختار نهادینه و رسمی برای ارائه نظر مشورتی سازمانی یا مدیریت دستگاه‌های دولتی می‌باشند.



- گزینه ۴ (گروه‌های ذی‌نفوذ): کارویژه اصلی گروه‌های فشار، «بیان منافع» (Interest Articulation) است. آن‌ها تلاش می‌کنند بر تصمیم‌گیرندگان تأثیر بگذارند، اما برخلاف احزاب به دنبال «تجمیع منافع» کلان برای تصرف قدرت نیستند و برخلاف بوروکراسی، هیچ‌گونه مسئولیت رسمی در «کاربست مدیریت» و اداره کشور ندارند.

نکات تکمیلی

- راه حل تستی: طراح در این سؤال از یک تله شناختی کلاسیک استفاده کرده است. با دیدن کلیدواژه «بیان و تجمیع منافع»، ذهن اکثر داوطلبان بلافاصله (بر اساس نظریه ساختار کارکردی گابریل آلموند) به سمت «احزاب» یا «گروه‌های ذی‌نفوذ» منحرف می‌شود. اما تکنیک طلایی تست‌زنی در اینجا، خواندن **پایان صورت سؤال** است؛ کلیدواژه‌های «کاربست مدیریت» و «ارائه نظر مشورتی»، خط‌طلانی بر احزاب و گروه‌های فشار کشیده و مستقیماً داوطلب را به سمت بازوی اجرایی و تخصصی دولت، یعنی دیوان‌سالاری (بوروکراسی) هدایت می‌کنند.

۵. گزینه ۲

موضوع سوال

این پرسش به یکی از عمیق‌ترین مباحث در جامعه‌شناسی سیاسی و اندیشه سیاسی معاصر ایران (به‌ویژه آثار و آرای متفکرانی چون دکتر داوود فیرحی، دکتر حسین بشیریه و عبدالکریم سروش) می‌پردازد. هسته مرکزی این سؤال، تمایزات بنیادین میان «دین» (به مثابه یک منظومه معرفتی مبتنی بر نص، اجتهاد و تکثر) و «ایدئولوژی» (به مثابه یک ابزار سیاسی بسته، جزم‌اندیشانه و معطوف به قدرت) است. طراح سؤال به دنبال شناسایی گزاره‌ای است که این رابطه را به صورت وارونه یا غلط بیان کرده باشد.

پاسخ تشریحی

دلیل نادرست بودن گزاره دوم و در نتیجه انتخاب آن به عنوان پاسخ صحیح، وارونه جلوه دادن رابطه «شخصیت» و «نظریه/حقیقت» در دو نظام دینی و ایدئولوژیک است.

بر اساس ادبیات اندیشه سیاسی اسلام و قاعده مشهور علوی «اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفْ أَهْلَهُ» (حق را بشناس تا اهلش را بشناسی)، در یک **دولت دینی اصیل**، حقانیت و «اعتبار شخصیت‌ها» (حاکمان، فقها و نخبگان) در گرو پابندی آن‌ها به «نظریه» (شریعت، نص و قانون الهی) است. یعنی هیچ شخصی فراتر از قانون دین نیست و این شریعت است که به فرد اعتبار می‌بخشد (سیادت شریعت).

در نقطه مقابل، در یک **دولت ایدئولوژیک** (نظیر فاشیسم، نازیسم یا استالینیسم)، این رهبرِ فرهمند (پیشوا/کاریزما) یا حزب پیشگام است که حقیقت را خلق می‌کند. در واقع، در ایدئولوژی‌های توتالیتَر، «اعتبار نظریه‌ها به شخصیت‌هاست»؛ به این معنا که هرآنچه رهبر یا ایدئولوگ ارشد بگوید، همان لحظه تبدیل به نظریه و حقیقت مطلق ایدئولوژیک می‌شود (مانند کیش شخصیت استالین یا مائو).

بنابراین، گزینه ۲ با بیان اینکه «در دولت ایدئولوژیک اعتبار شخصیت‌ها به نظریه‌هاست»، این اصل را کاملاً وارونه مطرح کرده است و از همین رو، گزاره‌ای نادرست محسوب می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه ۱ (دولت دینی تنها یک روایت ندارد): این گزاره درست است. دین به دلیل اتکا بر «اجتهاد»، همواره آبستن تفاسیر، فتاوا و قرائت‌های گوناگون (چندصدایی) است. مکاتب مختلف فقهی و مراجع تقلید گوناگون گواه این مدعا هستند. در حالی که ایدئولوژی ماهیتاً تک‌صدا (Monophonic) و دارای یک قرائت رسمی غیرقابل انعطاف است.
- گزینه ۳ (دولت دینی بر بنیاد خط‌پذیری آراء اجتهادی است): این گزاره درست است. در فقه شیعه (مکتب تخطئه)، هر مجتهدی می‌پذیرد که فتوای او صرفاً یک تلاش فکری است و احتمال خطا در آن وجود دارد. اما ایدئولوژی‌ها (مانند مارکسیسم ارتدوکس) ادعای کشف قوانین قطعی و خطاناپذیر علمی و تاریخی را دارند و هرگونه تردید در آن‌ها ارتداد حزبی محسوب می‌شود.
- گزینه ۴ (حمایت از تفسیر رسمی در ایدئولوژی از جنس استدلال نیست): این گزاره نیز درست است. در یک دولت ایدئولوژیک، حمایت از قرائت رسمی نه بر پایه اقناع، اجتهاد و استدلال آزاد، بلکه بر پایه اجبار، پروپاگاندا، تهییج احساسات و وفاداری کورکورانه حزبی استوار است.



- کادر جمع‌بندی: تمایزات دولت دینی و دولت ایدئولوژیک در یک نگاه

شاخص	دولت دینی (مبتنی بر اجتهاد پویا)	دولت ایدئولوژیک
تکثرگرایی معرفتی	چندصدایی (پذیرش قرائت‌های مختلف فقهی)	تک‌صدایی (تحمیل یک قرائت رسمی و سرکوب رقبا)
رابطه شخص و حقیقت	اعتبار شخصیت‌ها وابسته به قانون/شریعت است.	اعتبار نظریه‌ها و حقایق وابسته به شخص/حزب است.
موضع در برابر خطا	پذیرش خطاپذیری معرفت انسانی (مکتب تخطئه)	ادعای کمال، خطاناپذیری و جبر تاریخی
جنس وفاداری	مبتنی بر استدلال، اجتهاد و اقتناع مؤمنانه	مبتنی بر تهییج، اجبار و وفاداری تشکیلاتی

- راه حل تستی: در سؤالاتی که از شما خواسته می‌شود تفاوت دو مفهوم پیچیده را پیدا کنید و دنبال «گزینه نادرست» بگردید، بلافاصله به دنبال گزینه‌ای باشید که جای «علت و معلول» یا «مبتدا و خبر» را عوض کرده است. در گزینه ۲، طراح با زیرکی جایگاه نظریه و شخصیت را جابه‌جا کرده تا داوطلبانی که صرفاً به صورت طوطی‌وار مطالب را حفظ کرده‌اند، دچار خطای شناختی شوند.

۶. گزینه ۲)

موضوع سوال

این پرسش در قلمرو جامعه‌شناسی سیاسی معاصر و اندیشه‌های سیاسی جدید طبقه‌بندی می‌شود. محور اصلی سؤال، مکتب «پسامارکسیسم» (Post-Marxism) و رویکردهای انتقادی به دموکراسی لیبرال است. طراح سؤال به دنبال تطبیق یکی از مهم‌ترین نظریه‌های بدیل دموکراتیک در اواخر قرن بیستم با نظریه‌پرداز اصلی آن است.

پاسخ تشریحی

نظریه دموکراسی رادیکال و کثرت‌گرا (Radical and Plural Democracy) دستاورد تئوریک برجسته ارنستو لاکلاو (Ernesto Laclau) و همفکر او شانتال موف (Chantal Mouffe) است که در کتاب جریان‌ساز خود با عنوان «هژمونی و استراتژی سوسیالیستی» (۱۹۸۵) صورت‌بندی شد.

لاکلاو به عنوان یک متفکر پسامارکسیست، جبرگرایی اقتصادی و تقلیل دادن تمامی مبارزات سیاسی به «نزاع طبقاتی» (مفروض مارکسیسم کلاسیک) را رد می‌کند. از منظر او و موف، جامعه مدرن شاهد تکثر و تنوع گسترده‌ای از جنبش‌های اجتماعی است (مانند جنبش‌های فمینیستی، ضد نژادپرستی، زیست‌محیطی و اقلیت‌ها). پروژه «دموکراسی رادیکال» تلاش می‌کند تا با ایجاد یک «زنجیره هم‌ارزی» (Chain of Equivalence) میان این مطالبات متکثر و پراکنده، جبهه‌ای هژمونیک در برابر نظام سرمایه‌داری و نابرابری‌های دموکراسی لیبرال ایجاد کند. در واقع، دموکراسی رادیکال به معنای گسترش و تعمیق آرمان‌های دموکراتیک (آزادی و برابری) در تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی و به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و تضادها (آگونیسم) است.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه ۱ (یورگن هابرماس): این متفکر برجسته مکتب فرانکفورت، به عنوان پایه‌گذار نظریه دموکراسی گفتگومانی یا مشورتی (Deliberative Democracy) شناخته می‌شود. مدل او بر اساس «کنش ارتباطی» و رسیدن به اجماع عقلانی در یک حوزه عمومی عاری از سلطه بنا شده است، نه دموکراسی رادیکال و آگونیستی لاکلاو.
- گزینه ۳ (جان دیویی): فیلسوف و نظریه‌پرداز مکتب پراگماتیسم آمریکایی که دموکراسی را نه صرفاً یک شکل حکومت، بلکه یک «شیوه زندگی» و تجربه‌ای جمعی مبتنی بر آموزش و مشارکت (دموکراسی مشارکتی/ارشددهنده) می‌دانست. با وجود رادیکال بودن برخی آراء او در زمان خود، اصطلاح تخصصی «نظریه دموکراسی رادیکال» در علوم سیاسی معاصر به او ارجاع داده نمی‌شود.



- گزینه ۴ (آلن تورن): جامعه‌شناس فرانسوی که تمرکز اصلی او بر «جامعه‌شناسی کنش»، جامعه پسا صنعتی و تحلیل جنبش‌های اجتماعی جدید (New Social Movements) است. او بیشتر بر روی سوزه‌گی و عاملیت تمرکز دارد تا پردازش نظریه‌ای بدیل به نام دموکراسی رادیکال.

نکات تکمیلی

- راه حل تستی: در آزمون‌های تحصیلات تکمیلی علوم سیاسی، معمولاً کلیدواژه‌های مشخصی به عنوان امضای نظریه پردازان عمل می‌کنند. برای پاسخ سریع به چنین سؤالاتی، این پیوندها را به خاطر بسپارید:
 - دموکراسی رادیکال / مفصل‌بندی / دال تهی ← لاکلاو (و موف)
 - دموکراسی گفتمانی / کنش ارتباطی / حوزه عمومی ← هابرماس
 - جنبش‌های اجتماعی جدید / جامعه برنامه‌ریزی‌شده ← تورن

۷. گزینه ۳

موضوع سوال

این پرسش به یکی از مهم‌ترین تحولات پارادایمی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، موسوم به «چرخش فرهنگی» (Cultural Turn) اشاره دارد. کانون این سؤال، شناسایی مکاتب فکری جدیدی است که تحلیل سیاست را از سیطره اقتصاد، نهادهای رسمی و جبرگرایی‌های ساختاری خارج کرده و آن را در بستر گفتمان، زبان، هویت و نشانه‌های فرهنگی بازخوانی کردند.

پاسخ تشریحی

«چرخش فرهنگی» در جامعه‌شناسی سیاسی، اساساً محصول نقدهای رادیکال دو جریان عمده فکری در اواخر قرن بیستم است: پسا ساختارگرایی و پسامارکسیسم.

۱. پسا ساختارگرایی (Post-Structuralism): متفکرانی نظیر میشل فوکو و ژاک دریدا، با شالوده‌شکنی از مفاهیم کلاسیک قدرت، استدلال کردند که قدرت صرفاً در نهاد دولت متمرکز نیست، بلکه از طریق «گفتمان»، «دانش» و «فرهنگ» در تمام مویرگ‌های جامعه جریان دارد. از این منظر، سیاست، عرصه تولید معنا و سوزه‌سازی فرهنگی است.

۲. پسامارکسیسم (Post-Marxism): اندیشمندانی مانند ارنستو لاکلاو و شانتال موف، با رد جبرگرایی اقتصادی مارکسیسم ارتدوکس (که فرهنگ را صرفاً روبنای اقتصاد می‌دانست)، اصالت را به سیاست و فرهنگ دادند. آن‌ها نشان دادند که هویت‌ها و منازعات سیاسی (مانند جنبش‌های فمینیستی یا زیست‌محیطی) از طریق مفصل‌بندی‌های گفتمانی و فرهنگی شکل می‌گیرند، نه صرفاً بر اساس جایگاه طبقاتی و اقتصادی.

بنابراین، این دو مکتب به صورت سازمان‌یافته‌ترین شکل ممکن، فهم ما از امر سیاسی را با امر فرهنگی گره زدند.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه ۱ (کثرت‌گرایی و نوکثرت‌گرایی): تمرکز اصلی کثرت‌گرایان (مانند رابرت دال) بر نحوه توزیع قدرت میان «گروه‌های ذی‌نفوذ» و تکرر منابع قدرت مادی و سازمانی است، نه تحلیل نشانه‌شناختی و فرهنگی سیاست.
- گزینه ۲ (کورپوراتیسم و ساختارگرایی): کورپوراتیسم به بررسی روابط نهادینه‌شده و اقتصادی میان دولت و گروه‌های کلان اقتصادی (مانند اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی) می‌پردازد. ساختارگرایی نیز (مانند مارکسیسم ساختارگرا) بیشتر به دنبال کشف قوانین عینی و پنهان ساختاری است تا پویایی‌های سیال فرهنگی.
- گزینه ۴ (نخبه‌گرایی جدید و نوکارکردگرایی): نخبه‌گرایی بر تمرکز قدرت در دست اقلیتی سازمان‌یافته تأکید دارد و نوکارکردگرایی رویکردی سیستمی برای تبیین نحوه انطباق سیستم با محیط است. هیچ‌یک از این دو، بانی بازنگری فرهنگی در سیاست نبوده‌اند.

نکات تکمیلی

- راه حل تستی: در سؤالات کنکور دکتری، پیوند ناگسستنی و طلایی میان مفهوم «چرخش فرهنگی» (Cultural Turn)، «زبان»، «گفتمان» و «هویت» با «مکاتب پُست» (Post-Isms) نظیر پسا ساختارگرایی، پسامدرنیسم و پسامارکسیسم وجود



دارد. هرگاه در صورت سؤال کلماتی مبنی بر عبور از نهادها/اقتصاد و پناه بردن به فرهنگ/معنا دیدید، مستقیماً به دنبال گزینه‌ای بگردید که پیشوند «پسا» (Post) را یدک می‌کشد.

۸. گزینه ۲)

موضوع سوال

این پرسش به یکی از مباحث پرکاربرد و کلیدی در جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، یعنی گذار از «جنبش‌های اجتماعی کلاسیک» (مبتنی بر طبقه) به «جنبش‌های اجتماعی جدید» (مبتنی بر هویت و فرهنگ) اختصاص دارد. طراح سؤال با تکیه بر نظریات اندیشمندانی چون آلن تورن، آلبرتو ملوچی و کلاوس اوفه، به دنبال شناسایی ویژگی مغایر با ماهیت و ساختار این جنبش‌های نوپدید (نظیر جنبش‌های فمینیستی، صلح‌طلبانه و زیست‌محیطی) است.

پاسخ تشریحی

جنبش‌های اجتماعی جدید (New Social Movements)، برخلاف جنبش‌های کلاسیک (مانند جنبش کارگری که دارای رهبران کاریزماتیک یا حزبی مشخص و سلسله‌مراتب تشکیلاتی بودند)، ماهیتاً از داشتن «رهبری سیاسی متمرکز و رسمی» گریزانند. این جنبش‌ها ساختاری شبکه‌ای، افقی (سیال) و غیرمتمرکز دارند. هدف آن‌ها تصرف قدرت دولتی یا تبدیل شدن به یک حزب سیاسی با یک رهبر سیاسی مشخص نیست؛ بلکه تلاش می‌کنند از طریق بسیج افکار عمومی و تغییر در ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی، بر جامعه مدنی تأثیر بگذارند. فقدان تشکیلات حزبی سلسله‌مراتبی و نداشتن یک رهبر سیاسی واحد که از بالا به پایین فرمان صادر کند، بارزترین وجه تمایز آن‌هاست. بنابراین، داشتن «رهبری سیاسی» ویژگی جنبش‌های قدیم است و به جنبش‌های جدید تعلق ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه ۱ (به ساختارهای بوروکراتیک بدبین هستند): این گزاره یکی از ویژگی‌های قطعی جنبش‌های جدید است. آن‌ها دیوان‌سالاری، سازمان‌های رسمی و سلسله‌مراتب اداری را سرکوبگر استقلال فردی می‌دانند و به جای آن، بر دموکراسی مستقیم و شبکه‌های محلی خودجوش تأکید دارند.
- گزینه ۳ (به رسانه‌های جمعی متکی هستند): این گزاره نیز کاملاً درست است. از آنجا که این جنبش‌ها فاقد تشکیلات بوروکراتیک عظیم هستند، برای بسیج حامیان، جلب توجه افکار عمومی و انتقال پیام‌های خود، به شدت به رسانه‌های جمعی (و امروزه شبکه‌های اجتماعی) وابسته‌اند.
- گزینه ۴ (غیر ابزاری هستند): این گزاره نیز از ویژگی‌های بنیادین آن‌هاست. جنبش‌های کلاسیک «ابزاری» (Instrumental) بودند، یعنی به دنبال منافع ملموس مادی و اقتصادی (مانند افزایش دستمزد) بودند. اما جنبش‌های جدید بیشتر «نمادین» و «بیانگر/غیر ابزاری» (Expressive) هستند و بر ارزش‌های پسامادی، سبک زندگی، به رسمیت شناخته شدن هویت و دفاع از حریم خصوصی تمرکز دارند.

- کادر جمع‌بندی: تمایز جنبش‌های اجتماعی کلاسیک و جدید

ویژگی	جنبش‌های اجتماعی کلاسیک (مانند کارگری)	جنبش‌های اجتماعی جدید (مانند سبزها، زنان)
محور نزاع	توزیع منابع مادی و اقتصاد (طبقه)	هویت، فرهنگ، سبک زندگی و ارزش‌های پسامادی
ساختار سازمانی	بوروکراتیک، عمودی و دارای رهبری سیاسی	شبکه‌ای، افقی، سیال و فاقد رهبری متمرکز
نوع کنش	ابزاری (معطوف به تسخیر قدرت یا منافع مادی)	غیر ابزاری/بیانگر (معطوف به تغییرات هنجاری و فرهنگی)

- راه حل تستی: در آزمون‌ها، هرگاه با واژه «جنبش اجتماعی جدید» مواجه شدید، بلافاصله مفاهیمی نظیر تشکیلات منظم، ساختار بوروکراتیک، تسخیر دولت، منافع طبقاتی/اقتصادی و رهبری متمرکز را خط بزنید. جنبش‌های جدید همیشه با سیالیت، رسانه، هویت، شبکه‌های اجتماعی و دوری از ساختارهای سنتی قدرت همراه هستند.



۹. گزینه ۳

موضوع سوال

این پرسش در حوزه مبانی جامعه‌شناسی سیاسی و مشخصاً در چارچوب «نظریه‌های کلاسیک نخبگان» (Elite Theory) قرار می‌گیرد. طراح سؤال با طرح یکی از مشهورترین گزاره‌های تاریخ اندیشه سیاسی، به دنبال سنجش تسلط داوطلب بر رویکردهای بدیل مارکسیسم در تحلیل ساختار قدرت و پویایی‌های تغییرات اجتماعی و تاریخی است.

پاسخ تشریحی

عبارت مشهور «تاریخ، گورستان اشراف‌سالاری‌ها (آریستوکراسی‌ها) است»، شاه‌بیت نظریه «چرخش نخبگان» (Circulation of Elites) اثر جامعه‌شناس و اقتصاددان برجسته ایتالیایی، ویلفردو پاره‌تو (Vilfredo Pareto) است.

پاره‌تو در تقابل با جبرگرایی اقتصادی مارکس، استدلال می‌کند که جوامع بشری همواره توسط یک اقلیت برتر یا «نخبگان حاکم» اداره می‌شوند که به دلیل برخورداری از ویژگی‌های خاص روان‌شناختی (که او آن‌ها را «ته‌نشست‌ها» می‌نامد؛ نظیر غرایز شیرها برای اعمال زور و روباه‌ها برای مکر و فریب)، بر توده‌ها مسلط شده‌اند.

اما این تسلط ابدی نیست. نخبگان حاکم به مرور زمان دچار زوال انگیزه، فساد یا صلح‌طلبی افراطی می‌شوند و ویژگی‌های حیاتی خود را از دست می‌دهند. در این نقطه، نخبگان جدیدی از میان توده‌ها (نخبگان غیرحاکم) ظهور کرده و از طریق انقلاب یا نفوذ، جایگزین نخبگان قدیمی می‌شوند. از منظر پاره‌تو، کل تاریخ بشر چیزی جز این چرخه تکراری ظهور، افول و جایگزینی گروه‌های نخبه نیست؛ به همین دلیل، تاریخ گورستانی است که اشرافیت‌های منقرض‌شده در آن دفن شده‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه ۱ (روبرت میخلز): میخلز، دیگر نظریه‌پرداز کلاسیک نخبگان، با طرح «قانون آهنین الیگارشی» شناخته می‌شود. او معتقد بود که هر سازمان دموکراتیک، ناگزیر به دلیل نیازهای بوروکراتیک و تخصصی، به تسلط یک اقلیت رهبر (الیگارشی) ختم می‌شود. کلیدواژه او «سازمان و الیگارشی» است، نه «گورستان اشرافیت».
- گزینه ۲ (کارل مارکس): مانیفست مارکس با این جمله آغاز می‌شود: «تاریخ همه جوامع تاکنون، تاریخ مبارزات طبقاتی بوده است». مارکس موتور محرک تاریخ را تضاد طبقاتی (بر سر ابزار تولید) می‌داند و به پیشرفت خطی تاریخ به سوی کمونیسم باور دارد، در حالی که پاره‌تو به چرخش دورانی و باطل نخبگان معتقد است.
- گزینه ۳ (سی. رایت میلز): میلز جامعه‌شناس آمریکایی است که نظریه «نخبگان قدرت» را در اواسط قرن بیستم مطرح کرد. او نشان داد که قدرت در آمریکا در یک مثلث نهادی (نخبگان نظامی، شرکتی/اقتصادی و سیاسی) متمرکز است. رویکرد او نهادی و معطوف به جامعه مدرن آمریکا بود، نه یک قانون روان‌شناختی-تاریخی جهان‌شمول مانند پاره‌تو.
- کادر جمع‌بندی: نقل‌قول‌های طلابی متفکران کلاسیک

متفکر / جامعه‌شناس	گزاره و مفهوم کلیدی (امضای نظریه‌پرداز)	رویکرد اصلی
ویلفردو پاره‌تو	تاریخ، گورستان اشراف‌سالاری‌هاست. (چرخش نخبگان)	نخبه‌گرایی روان‌شناختی
گائتانو موسکا	همواره یک اقلیت سازمان‌یافته (طبقه حاکم) بر اکثریت حکومت می‌کند.	نخبه‌گرایی سازمانی/سیاسی
روبرت میخلز	هر کس بگوید سازمان، گفته است الیگارشی. (قانون آهنین)	نخبه‌گرایی بوروکراتیک
کارل مارکس	تاریخ، تاریخ مبارزه طبقاتی است.	ماتریالیسم تاریخی (تحلیل طبقاتی)